

**مرگ بر امپریالیسم
جهانی به سرکردگی
امپریالیسم آمریکا**

کدام

**کارگران همه کشورها
متحد شوید!**

**ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثریت)**

دوم - سال اول - شماره ۲

اول فروردین ماه ۱۳۶۳ - ۱۲ صفحه - ۴۰ ریال

برقراری صلح ، هدف مقدم و مشترک همه میهن پرستان ایران است

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره تشدید وخامت اوضاع در جبهه های جنگ

در صفحه ۳

فاجعه های جدید در مسیر تداوم جنگ

ایجاد عملیات اخیر آبخان گسترده سوده است که رژیم عراق ، متوکل به استفاده از سلاح شیمیایی علیه نیروهای ایران شده و تهدید کرده است که کشتی هایی که به مقصد بندر ایران وارد خلیج می شوند و نیز تالیفات نفتی ایران در خلیج فارس و خارک را بمباران خواهد کرد . متفلا اینکه چنانچه جلوی صدور نفت ایران گرفته شود تنگه هرمز را خواهند بست . دولت آمریکا که در آرزوی ایجاد چنین موقعیتهایی برای بهره برداری خود بوده است ، بیدریک اعلام نموده " تا اجازه نخواهیم داد که تنگه هرمز حتی یک لحظه مسدود شود " ! همین طور رئیس سابق سیا اعلام داشته است که آمریکا بستن عملیات تجار و کاروانه در خلیج فارس آماده است . دولت ریکان برای نیروی دریایی آمریکا مستقر در خلیج فارس جریم تعیین کرد و خاطرنشان کرده تا شعاع ۵ مایلی کشتی های جنگی متعلق به آمریکا ، هواپیما ها چ پرواز با ارتفاع کمتر از ۳۰۰۰ پا را ندارند .

جنگ ایران و عراق اکنون چهارمین سال را طی می کند . این جنگ ، پس از جنگ جهانی دوم طولانی ترین جنگ بین دو کشور همسایه بقیه در صفحه ۱۱

با تهاجم جدید نیروهای جمهوری اسلامی به مواضع عراق در آخرین ماه سال ، فاجعه جنگ ایجاد تازه و بی سابقه ای یافته است . هدف این تهاجم نظامی حکومت ، جدا سازی استانهای بصره ، نیسان و العماره و قطع ارتباط شمال عراق با جنوب آن بوده است . در این عملیات بیش از نیم میلیون سپاهیی و صدها هواپیما و هزاران تانک ، توپ و ادوات زرهی بکار افتادند . رژیم عراق و ایران هر یک برای پیروزی در این عملیات ، نیروی هوایی خود را به مقیاس بی سابقه بکار گرفته اند . تقریباً تمامی شهرهای جنوب و غرب ایران و شهرهای جنوبی و شرقی عراق با موشک ، توپخانه و هواپیما بمباران شده است . در اثر بمبارانهای مداوم تعداد کثیری از مردم بیکانه و بی بناه کشته و هزاران خانه ، مغازه و موسسات کوچک و بزرگ اقتصادی دو کشته و ویران و متهدم شده است .

جمهوری اسلامی همان اوایل تهاجم اعلام کرد تا عمق ۲۰ کیلومتری خاک عراق نفوذ کرده و جزا بر مجنون را اشغال کرده است . این ماجراجویی تازه جمهوری اسلامی تاکنون نفیست کشته شدن دهها هزار جوان و سوجوان تمام شده است .

نوروزتان پیروز

وطن ! نوروز بر تو که از هستی خود برای از مردن کهنک سال غمناک امروز و برای دنیا بی برسی و کینه درون خود که می کشی ، مبارک باشد . این سال به تو که با وجود تمام آفتون و تمام غمها و در غمها و در غمها رسیده ، سال اولین پیروز تو در کشور ما بود . فراوان شهرها و خانه ها را از این جشن و شاد همه عزیزانی که برای پیروزی انقلاب و مردم در تبریک رژیم عراق ، کشته شدند ، جانها به قیام بر زمین نماندند . این سال با اتمام روزهای ایران جمهوری اسلامی بیروشادی را در پی برد . اما تا کتبتند و جبهه گشتا خانه شهرها در این لحظه " باران کردند و کوشیدند تا با هواپیما که مانع کدهای کورویی نوریدل بود ، رهبرانی که تا کتبه براعتفا دمیلیونها مردوزن شده دیده ما و با قدرت ایثار و مقاومت بهترین فرزندان سرزمین ما ، به حکومت رسیدند ، همه وعده های خود را زیر پا گذاشتند و تا جوانان سردان به پشت به مردم کردند و به قفسر کوبا انقلاب جوینساری از خون انقلابی ترین و شریف ترین زنان و مردان ما ، در گستره میهن عزیزمان سرراه انداختند . سال گذشته سال اوج سنگری و رنج آفرینی های حکومت برای مردم بود . لیبس جنگ شدیدتر از همیشه شهرها و روستا های ما را د خود کشید . و کارخانه ها ، مزارع ، دانشگاهها و راههای مانیان به ویرانی کشیده شد و بمای آن کورستا های جدیدی ساختند . مرگ و ویرانی ، بقیه در صفحه ۲

در این شماره :

تلاش برای دولتی کردن شوراهای کارگری

در صفحه ۴

حزب جمهوری اسلامی و فعالیت در میان نیروهای مسلح

در صفحه ۸

گرانی : غارت بی بند و بار مردم

در صفحه ۵

پیروزی میهن پرستان لبنان

در صفحه ۱۲

ناخدا افضلی و یاران

اعدام شدند!

هفتم فقط خدمت بود... در رژیم گذشته با پوست و گوشت و استخوان خودم تضاد ، ظلم ، جور و محرومیت را در جامعه ایران احساس کردم... ناخدا بهرام افضلی

در صفحه ۲

مسائل مبارزین چپ

و نیازهای جنبش

در صفحه ۶

پیام شاد باش احزاب برادر

کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان
کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین
کمیته مرکزی حزب کمونیست هند
کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مارکسیست)

کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان
به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به مناسبت ۱۹ بهمن

در صفحه ۱۰

جنگ را قطع کنید ، مردم صلح می خواهند

نوروزتان پیروز

ناخدا افضلی و یاران اعدام شدند!

با مصادف اسفند ۶۲، گروهی از سریف ترین و خدمتگزارترین فرزندان خلق، افسرانی که جان بزرگواران استقلال میهن و آزادی مردم دفاع می کردند، به جرم توده ای بودن و به دلیل عشق به توده ها اعدام شدند. خیر اعدام این افسران انقلابی و میهن پرست موجب خشم و نفرت همه مردم آزاده جهان و کلیه بشریت است ترفیخواه گشت.

اعدام این میهن پرستان، تلاشی است که برای تپی کردن ارتش از عناصر انقلابی و با رگداشتن دست افسران ارتجاعی و سلطنت طلب و طرفدار امپریالیسم صورت گرفته است. افسرانی که به خوجه اعدام سیرده شدند از همان ایام جوانی آگاهانه راه خدمت به مردم را انتخاب کرده و در طول خدمت خود در ارتش، بیشترین و موثرترین اقدامات را به نفع انقلاب و در راه دفاع از استقلال ملی و یکپارچگی میهن، انجام دادند.

مردم ما در اوج مبارزات خود علیه رژیم دیکتاتوری شاه دیدند که چگونه کتیری از ارتشیان، فرمان آتش فرماندهان سرسپرده ای از قماش خسروا دها و ناجی هاراقض کردند و بایستی به صفوف مردم سینه فرمادها ن در دوران آماج گلوله های خود قرار دادند. حضور چنین نیروی مردمی در ارتش، نقش برجسته ای در سقوط پادگانها و تصرف کامل مراکز سرکوب شاه داشت. میهن پرستانسی همچون این افسران شهید، توطئه کودتاهای خونین بسیاری را از طرف افسران سلطنت طلب در دوره انقلاب و بعد از پیروزی انقلاب باقی و بخشی ناعند. همراهی انقلابی سلحشور میهن پرست در ارتش با رژیم برنگوه مردم ما عامل مهمی در سرنگونی رژیم خودکام شاه بود. انگیزه دولت این جانبازان در ارتشیان مردمی است. ناخدا افعلی که افسران شهید توده ای در پیدادگاه سیمان داشته اند، یا بان بختیدن به نظام جورستم شاهی و تلاش برای بهروزی و سعادت محرومان میهن ما بوده است. ناخدا افعلی که زندگی و مرگی شرافتمندانه را بزرگترید در دفاع از آرمان انقلابی خود می گوید: "هدفم فقط خدمت بود... در رژیم گذشته، بایست و گویند و استخوان خودم فساد ظلم، جور و محرومیت را در جامعه ایران جلا می کردم... مردم ما در طول مبارزات خود اولین بار نیست که شاهد چنین جانبازی و رجا نبان افسران توده ای هستند. خاطره تابناک با یارهای افسرانی چون زوربه قهرمان ملی ایران هنوز بقوت در یاد مردم ما باقیست.

مردم هنوز خاطره خوش روزهای انقلاب را که با شانه های گل سفید به استقبال فرزندان نظامی سطح پیوسته خود می شناسانند، در اعماق وجودشان احساس می کنند. این ارتشیان پیوسته به صف مردم، این دلبران، این پاکبازان که می دانستند حکم قتلشان با انصاف ار حکم ترفیخواه ۲

حداقل دست و پا خا، تنگها و درویناها علیه غصب زمینها، بر سر ناریا بنیتی و بی اعتمادی مردم به رهبران حکومت آنکارتر شده است.

آنچه در سال گذشته روی داد، گویا تر از هر چیزی، راه زندگی ما را در سال جاری مشخص می کند. مبارزه علیه تداوم جنگ و بیابندهای خانمان بر انداز آن و تلاش در راه استقرار صلح در کشورمان در سرلوحه مبارزات مردم ما قرار خواهد داشت.

اینک هزاران مردوزن و کودک هم میهن ما در کردستان زیر آتش توپخانه های جمهوری اسلامی زندگی منت باری را تحمل می کنند. روزی نیست که موجی از گشتباروز خونی در کردستان برآه یافتند. بدون شک مردم سراسر ایران معالفت و اعتراض خود را علیه این شمرگها آشکارتر خواهند کرد. جنگ و برادرگی در کردستان باید خاموش بپذیرد. مردم بلاکشد این قطعه از مساک میهنمان باید حقوق ملی خود را بدست آورند.

مردم فربا دا اعتراض خود را در سراسر سیاستهای سرکوب گرا نه حکومت در مسورد نیروهای انقلابی با یودبهای آزادی سیاسی رساترمی سازند. همصدای و همگامی مردم برای معالفت از انا هم ساز داشت، شکنجه و اعدام فرزندان انقلابی این مملکت اقدامات غیر انسانی حکومت را به نیت خواهند گماند. آزادی زندانیان سیاسی از خواسته های قانونی و به حق مردم است. امروز گستر خواهد ای است که عزیزی را در بندسیاه چالها و شکنجه گاههای حکومت ندانسته باشد. امروز کلیه خانواده های هم میهنمان با هر مرام و مسلکی که باشند در مقابل یک مشکل مشترک قسرار گرفته اند. برای حل این مشکل اقدام مشترک لازم است. برای آزاد کردن فرزندان توده ای، فدائی، مجاهد و دیگر عزیزان مبارز از اسارت جمهوری اسلامی باید تلاش بیشتری نمود.

هوطن! در این پنج روزی که در دوران جمهوری اسلامی پشت رگذاشتیم، هر چه از سهار پیش تیره سر بود، در این پنج سال نگذاشتند تا آنچه دل نیکو زینی های محرابی در سهاران حرم آب و خاک عزیزمان به شام چشم برآهان نهار ببرد. سنیهای زیبا و دیربای ملی ما راجت عنا وین گوناگون مورد تحقیر قرار دادند. نوروز سال زاناییمان به ایستده ای تابناک برپا داریم و گرامیداشت و راسازگار مقاومت با رژیم بیختر خود در جهت پایان بختیدن به وضع وخامت بارگتونی قرار دهیم. نالی راکه آغاز می کنیم با امیدواران به بهروزی سالهایمان پی رژیم و با گذردن در صفوف نیم فشرده رزم و مقاومت روزی نو، رقم برنیم.

بگذرانید هم به پیوندیم و شکوه یکدلی بهار ۵۷ را تکرار کنیم. بگذار رنگ خون ارجانه و کاشانه ما ر بهت بریند و جمرات را ن میهنمان را لاله های محرابی ببوشاند. بگذار بولتان را مریوسان آیتده ای بی سعادت به روی کاوتان لمان بگذرد و تاهای خای حرت را بگیرد. بگذار نوروزمان پیروز و هر روزمان پیروز و سازند

آوارگی و تیره روزی تنهاره آورد حکومت در سال گذشته بود.

سال گذشته سال بی فائونی، سال ناخت و تاز و حشانه به کلیه دستا و رده های انقلاب، سال لگدمال کامل آزادیهای فردی و اجتماعی و آزادیهای سیاسی، سال نزدیک بی یار هم پرشتاب تر حکومت به امپریالیسم و تامین منافع بزرگ مالکان و کلان سرما به داران و تجار بزرگی بود.

مردم ما در سال گذشته آشکارتر دیدند که چگونه ادعای "کارگران ستون انقلاب" به شعار "تجار محترم استوانه انقلاب" مبدل شد، سندسهای بیسته بسته دهقانان است "کنار گذاشته شد و همان "سندسهای آریا مبری برای دفاع از منافع بزرگ مالکان مینا قرار گرفت.

در سال گذشته هم در آمدسرها رفت روانه جنب امپریالیسمهای زاپنی، آلمانسی، انگلیسی و پیره خواران آمریکایی در منطقه ارجمله ترکیه و پاکستان شد و با زارهای ایران هر چه بیشتر در اختیار کارهای مصرفی امپریالیستها و وابستگان آنها قرار گرفت.

رحمتکنان در سالی که گذشت با هم بیشتر زیر فشار روز افزون اقتصادی ناشی از تورم، گزاتی، بیکاری، مسکن و... رنج بردند، و با هم بیشتر تجار محترم به غارتگری بی بند و بار محرومان آزادانه سر ازالهای بیش از اندازه دادند و قانع از هر قید و بندی با احتکار و گزافروشی دسترچ ناچیسر "ستفغان" را به غارت بردند.

رهبران جمهوری اسلامی در سال پیش هر چه فریاد داشتند "سربردستان انقلاب ایران"، در حیان و در بر این آنها اتحادشوری کشیدند که همواره از انقلاب و مردم ما میمانه پیشانی می کشند. آنان به قصد نبود کردن انقلاب کوشیدند، مدافعین صدیق آن و در راس همه حزب توده ایران را تا بنوازند و بدین نحو "آزادی" را به ددمنشان ترین شکلی درهم کویدند. تصویری که حکومت اریسماهی خود

در سال گذشته بجای گذاشته مشون ارتباهی و تیرگی است.

در سال گذشته فروغ مبارزه و مقاومت مردم در برابر این تا مردمی هایش از هر سزار جلوه نمود. اعتراضات مردم بویزه طبقه کارگر ایران، در برابر برتهاجمات ارتجاعی حکومت به منافع دستا و ردهای آنان روبه گسترش نهاد. در سال پیش شاهد آشکار شدن بیش از پیش ناراضی مردم از وضع وخامت بار چاکم سر زندگیان بودیم. اعتراض به سیاستهای جنگ طلبان حکومت به درجه ای رسید که در آستانه سال جدید است انه خمینی رهبر جمهوری اسلامی خود را چاره موضع گیری شد و دستور داد سیجها عبد را در حربه ها بگذرانند. اعتراضات مردم به کمبود کالاه گزانی سرام آور، نیکار و فراگرو توزیع نا عادلانه و احتکار، نارسا کیشهای بهداشتی و رفاهی و در کارخانه هاجت احفان

زندانیان سیاسی را آزاد کنید!

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درباره تشدید وخامت اوضاع در جبهه‌های جنگ

برقراری صلح،

هدف مقدم و مشترک همه میهن پرستان ایران است

هم میهنان گرامی!

جمله‌های ویرانگر جنگ که به تحریک آمریکا و بدست رژیم صدام افروخته شد، و رهبران جمهوری اسلامی به قیمت خون فرزندان شما آذوقه می‌دهند، در ششمین نوروپیا را انقلاب بهمن، سوزان نواز همیشه برهستی کشور ما جنگ انداخته است.

هم میهنان گرامی!

میهن پرستان و صلح دوستان ایران!

جنگی که حکومت ایران برخلاف مصالح میهن ما ادامه می‌دهد استن فاجعه‌های سازماندهی است. آمریکا لیس آمریکا می‌خواهد اما منته جنگ به سراسر خلیج فارس کشیده شود و جمهوری اسلامی با سیاست جنگ طلبانه خود در راستای اجواست آمریکا عمل می‌کند. "بحران" تنگه هرمز که حاصل همین توطئه‌هاست، به کانون خطری بزرگ برای امنیت منطقه و استقلال کشور ما بدل شده است. اکنون آمریکا لیس آمریکا با هم دستی انگلیس و همکاران دیگر کشورهای آمریکا لیس و ارجایی آماده اجرای یک توطئه بسیار خطرناک در این منطقه است. به همین منظوری با جنگی آمریکا و چندین ناوانگلیس و صدها هواپیما جنگی هزاران تنگن دار دریایی در دهانه خلیج فارس کمین کرده اند. فاجعه‌های جدید جنگ ایران و عراق و وخامت اوضاع در خلیج فارس موج جدیدی از تلاش نیروهای صلح دوست جهان را برانگیخته است. سازمان ملل متحد، جنبش غیرمتعدها، شورای جهان صلح، کنفرانس وحدت آفریقا، فدراسیون بین المللی زنان ودها سدیگا و اتحادیه سازمان و بهادین مللی نسبت به وخامت اوضاعی که جنگ ایران و عراق پدید آورده است هشدار داده و حکومت ایران را به پذیرش آتش بس و حل مسائل از طریق مذاکره و راه‌های صلح آمیز فراخوانده اند. کشورهای غذا میربا لیسیتی و سوسیالیستی کماکان در صف مقدم مبارزه در راه قطع جنگ ایران و عراق قرار دارند. در پی تحریکات آمریکا در خلیج فارس، اتحاد شوروی ضمن تذکرواخواست اوضاع و دعوت از طرفین درگیر برای قطع جنگ طی اظهاریه‌ای که خبرگزاری تاس منتشر نمود در رابطه با تحریکات اخیر آمریکا در خلیج فارس به این کشور هشدار داد. حکومت ایران هرگونه راه مسالمت آمیز را رد می‌کند و آشکارا می‌گوید که قصد دارد به منظور مذاقعه از مردم عراق و برپا کردن جمهوری اسلامی در آنجا جنگ را تا آن سوی مرزهای کشور ادامه دهد. رهبران جمهوری اسلامی "اصلا" توجه نمی‌کنند که تمام بشریت صلح دوست خواستار قطع این جنگ ویرانگر است. ایان در آستانه سال نو با زدیگرو بدون پرده پوشی، آمریکا لیس را دعوت به معامله کرد و در روشن ساختن که چنانچه سه آمریکا لیسیتی در جنگ ایران و عراق تنها به آسان کنگ کنند، آنها نیز سودا میربا لیسیتی در افغانستان دخالت فرایند، خواهند کرد!

با آن سال ۶۲ پایان جنگ و کشتار و خون ریزی نبود بلکه آغاز دور جدیدی از فاجعه آفرینی بود که به آتش کشیدن بسا فقه شهرها و روستاها، کشتارده‌ها و رهبری در هر سرد و خویم ترسیدن بحران تنگه هرمز و خلیج فارس و نموداران است. بهار امسال هم با خون جوانان شما، با خون سرج گلهای بودمیده مردم لاله گون است. رهبران جمهوری اسلامی در آستانه سال نو هدیه تازه‌ای برای شما تهیه دیده اند، آنها عملیات جنگی "خبر" را بره انداختند و تنها طرف ده روزده‌ها هزار تن از جوانان و نوجوانان را در "کوره جنگ" ریختند و به مرگ سپردند. بیکر این فرزندان عزیز و شریف وطن ما در همه جا افتاده است. در بیابانها و کوهستان های سراسری عراق، در رودخانه‌ها و باتلاقها بی که صدها کیلو مترو بسعت دارند، در کناره‌های راه‌های مرزی و راهها و کوره راه‌هایی که به مصره و آفتاب و آفتاب می‌روند، در کناره‌های راه‌های نابود شدند، روستاهایی که آتش گرفته و شهرهایی که ویران گردیده اند، زیست آوار کودکستانها و دبستانها و بیمارستانها و هرچای دیگری که غریب جنگ انداخته است. آنها در سرزمینهای غریب بخون می‌غلطتند بدون اینکه بدانند چرا و برای چه هدفی، کسانی که خود در خانه‌های امن نمیده اند و کبسه کلان تاجران را برمی کنند برای جوانان تنها حدیث مرگ می گویند و سرود مرگ می خوانند. در این جنگ تاکنون صدها هزار نفر کشته شده اند. شمار زخمیان و گمشدگان از این هم بیشتر است. نزدیک به پنج هزار نفر تنها در بیمارستانهای شهری شهید شدند.

رسیدن به هدفهای مداخله گرانه خودگشود است و مدام آنها را در آن سوی مرزهای کشور ما گسترش می دهد. پیشانی و تقویت نمی کنند، مردم از اعزام جوانان خویش به این جبهه‌ها خودداری می کنند. عزیزان خود را نمی فرستند تا در سرزمین های دیگران به جنگ و کشتن خود را بلند و بلندتر می کنند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، قطع جنگ و برقراری صلح را هدف مقدم و مشترک همه میهن پرستان ایران می‌داند. برای رسیدن به این هدف، برای پایان دادن به کشتار مردم و ویرانی کشورمان راه همکاری و هماهنگی را برگزینیم.

برای آگاه نمودن و وسیع کردن هرچه بیشتر مردم در راه صلح، برای کار بست مشترک موثرترین اقدامات، برای هماهنگ کردن مبارزات و فعالیتهای صلح طلبانه، برای برانگیختن هرچه بیشتر نیروی صلح طلب جهان به حمایت از مبارزات صلح طلبانه مردم کشورمان، همه نیروهای میهن پرست و صلح طلب می‌توانند و لازم است همکاری کنند. ما نیروهای میهن پرست و صلح طلب را به بهره گیری از همه امکانات برای تامین همکاری هرچه بیشتر در راه صلح فرا می خوانیم.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از همه نیروها و کشورهای ضد امپریالیست و صلح طلب، از همه احزاب، سازمانها، گروهها، نهادها و شخصیتهای صلح دوست جهان دعوت می کند که در جهت قطع جنگ ایران و عراق راهمضان گسترش دهند و از خواست و نیاز عادلانه مردم ما قویا پشتیبانی کنند. برای مردم میهن ما همه تلاشهایی که در کشورهای مختلف و در جهان برای پایان دادن به این جنگ انجام می شود بسیار ارجمند و احترام انگیز است.

با شنیده در بریتانیا رزات مردم و همکاری هرچه گسترده تر همه نیروهای میهن پرست و صلح طلب سال نو را به سال مبارک و مبارک و پیروز سندان در راه قطع جنگ و به سال برقراری صلح تبدیل کنیم.

برقراری صلح

مسرگ برا میربا لیسیم چه نی به سرکردگی آمریکا

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۲۷ اسفند ماه ۶۲

هم میهنان گرامی!

میهن پرستان و صلح دوستان ایران!

با پایان دادن به جنگ و دستیابی به صلح نیازمند مبارزه گسترده و هماهنگ ما است. مردم ایران جبهه‌هایی را که حکومت به‌خوبی

قلاش برای دولتی کردن شوراهای کارگری

پیش نویس "قانون کار" جدید جمهوری اسلامی، درجایده کشور انتزاعی یافت. نظریه اهمیت قانون کار در زندگی و مبارزه کارگران، ضرورت دارنده طبقه کارگر به دست گرفتن "قانون کار" جمهوری اسلامی را بر سر کرده و ارجحیت و مفاد آن مطلع شود. باید معلوم کرد که آیا در قانون جدید، آن موضوعاتی است که کارگران را به مبارزه وسیع علیه جرایم ضد کارگری به رهبری توکل می پودد، به سود کارگران تغییر یافته یا اساس مبارزه محفوظ مانده است. در سرخس باید گفت، قانون کار جدید هر چه باشد، صرف انتشار آن معنی کننده ضروری است که کارگران ایران را به نابت کلی و مدافعان او وارد آورده اند. کارگران این پیروزی بزرگ را ساده بدست نیارند و نباید ساده از دست بدهند. ایما دپیروزی درخشنده است که رهبران حکومت، حتی پس از چرخش به راست، به ایطال احصاری رسمی قانون کار توکل می نن داده اند. دستاورد استثنای کارگران به این خلاصه نمی شود که بهره کشندگان و تارو باخته ای نظیر توکل را از وزارت کار بزرگ کنی. کارگران در این سرزدنشان دادند که بیدار و در صحنه اندو کار بزرگ رهبران کارگرسپهر جمهوری اسلامی سخت و سخت ترس خواهد شد.

رشد، قانون کار تا ما "ارتجاعی را پیشنهاد کردند. وزارت کار می فهمید که تحقق اهداف ارتجاعی درگروطلب کارگران است. توکل می و شرکا به این نکته مهم مرکزی توجه کامل داشتند: در قانونی که تهیه شده بود، مساله اتحادیه و سندیکا و کسریسوم (منظور کسریسوم است) و غیره مطرح شده بود که قوانین کار در اسلام تطبیق نمی کرد. (توکل می، تیر ۶۱، یازدهمین کنفرانس سراسری شوراهای اسلامی) در ابتدا وزیر کار هرگونه تغییر در قانون ارتجاعی خود را غیرممکن می دانست و رد می کرد. معاون او با مراحضتی گفت: "اگر تمام ۴۰ میلیون ایرانی جمع شوند و بگویند اینجا واقعا، ظلم می شود و باید حرف کارگر را قبول کرد... این (اعتراض ۴۰ میلیون رانمی توان ملاک گرفت". اما وقتی وعادت واضعاً در یافت، بدینترف که امکان اصلاح وجود دارد. با وجود این طبقه کارگر ایران، قانون کار وزیر را زیر نفلتن گذاشت و خود آقای وزیر را هم از وزارت کار بیرون انداخت.

امروز که قانون کار تازه ای ارائه شده است و طبقه کارگر ایران تجربه غنی مبارزه علیه قانون کار توکل می را پشت سر گذاشته است ضروری است که در بررسی کلی با حرفی قانون کار جدید همفلسه ازره چیز پیش نسی های قانون درباره مشکل مستقل کارگران مورد توجه قرار گیرد.

کارگران آگاه، میهن ما نیز بخوبی ضرورت توجه به این مسله اساسی را در یافتند. که قانون کار جدید درباره شکل مستقل کارگران چه می گوید؟ درخود قانون آشکارا مشخص شده است که آنچه قانون اساسی "شوراهای اسلامی کارگران" نامیده کرده است، بر اصل ۲۶ قانون اساسی مستقیم است. شورای کارگری، بمنزله شکلی از شکل مستقل وضعی کارگران از پیش وین نمی بود و با فریبکاری، بک رشته ازار هم های اجرائی دولتی بعنوان "شورای اسلامی کارگران" معرفی می کرد. مطابق ماده ۱۶۷، مجمع عمومی که به اصطلاح میبایست اعضای شورای اسلامی کارگران "ار انتخاب کند، تمام کارگران حتی مدیران در بر می گیرد. بدینگونه از همان ابتدای می شده که شوراهای کارگری به شوراهای کارگران (اصل ۱۰۴) تبدیل شوند و شورای مستقل کارگری به شورای مختلط بوا بسته و فرمایشی تبدیل شود و حقت کارگری آن نگی گردد. در همین راستا، کاندیداهای عضویت شورا تا به "ملاحظت" ایدئولوژیک و سیاسی دانسته باشند. طبق شماره ۲۷، ماده ۱۷۲، هر کسی که حتی گرایش به احزاب و سازمانهای مخالف جمهوری اسلامی داشته باشد، از انتخاب شدن محروم است. یعنی هیچ آزاداندیشی، میهن پرست و مدافع حقوق مردم حق عضویت در شورا را ندارد. هر حق طلشی که با این حکومت و با اقدامات آن مخالفت ورزد، مشمول این محرومیت می شود. تمام کارگرانی که از زبندن جمهوری اسلامی آزادی شوند، همگی سرشوت را دارند.

کدام مرجع قانونی یا "غیر قانونی" بودن این با آن حزب را تشخیص می دهد. آیا آن حکومتی که قانون اساسی میبوی خود را بر سر می گذارد، می توان در مرجع صالح" داوری باشد؟ طبق شماره ۱۱۰، حتی مسلمانان هم از تبعیض احصار طلبان در امان نبوده اند. هر مسلمان می تواند عضو شورا باشد، مگر آنکه مستقل "قبلا" می اندیشند.

پیش نویس برای محکم کاری بیشتر ساده صد کارگری ۱۷۲ را با ماده ۱۷۴ تکمیل کرده است. مطابق ماده ۱۷۴، تشخیص صلاحیت کاندیداهای عضویت در شورا در چهار چوب شرایط ارتجاعی فوق به عهد هفت ۳ نفری مرکب از نماینده وزارت کار، نماینده وزارت خانه مربوطه و نماینده منتخب مجمع کارکنان گذاشته شده است. تشریح این ماده می گوید که ملایت نماینده منتخب کارکنان هم تعیین شده وزارت کار است! این هیئت وظیفه دارد اگر اتفاقا کسی را "جنگ" شرایط عضویت قرار کردند، به توریسان از دو تصفیه کند

هدف پیش نویس از ایجاد موانع فوقانی است که تضمین کاملی برای سرهم بندی کنند. "شورا" های فرمایشی دولتی ایجا نکنند. این هدف به کرات در مواد ۱۶۵، ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۷۶ و گنجانده شده است.

پیش نویس به این اکتفا نمی کند، بلکه حیاتی تمام "هیات نظارت شوراهای اسلامی کار منطقه" را که یک هیات کاملاً فرمایشی دولتی است، را فوق این "شوراهای فرمایشی" دهد. ماده ۱۴۴ به این هیات اجازه می دهد که به فعالیت شوراهای کارگری نظارت کند. و به شکایت کارکنان از شورا رسیدگی کند و عضویت اعضای شورا را لغو کند. مهمترین ابهام اینکه هیات اجازه می یابد شورای اسلامی کار واحد را اصلاح کند. کدام اصل قانون اساسی به وزارت کار اجازه داده است که در شوراهای کارگری اینگونه مداخله کند؟ طبقه کارگر در کدام گردهمایی سراسری خود، در کدام یک از قفقطنای این حق مسلم خود را به وزارت کار تفویض نموده است؟ فصول پنجم و هشتم پیش نویس برخلاف اصل ۲۶ و ۲۳ قانون اساسی است. این فصول آشکارا بر ضد مصالح کارگران است. مهمترین از آن طبقه کارگر ایران بدینا پیش، در زمان توکل می مرحوم، طرح می خود را درباره اینکه خود سری وزارت کار اعلام کرده است، آبهام صراحتاً اعلام کرده اند که اعتبار شوراهای کارگری تنها به اراده خود کارگران مرسوس است نه هیچ نیروی دیگر... ما شوراهای اسلامی کار را حیات توسط کارکنان انتخاب و توسط باقی ماندن یا کناره رفتن خود را در گرو رضایت مسوولین خود می دانیم... بدینسان در می کنیم، برای اعلام رضایت با عدم رضایت کارکنان که تنها شرط کناره گیری یا اینکه شوراهای اسلامی می توان باشند... تکلیف هر شوراهای انتخابی جدید کارکنان مشخص نماد.

(ماده ۹ قطعنامه استنکاز شوراهای اسلامی کار ریاحات استان تهران) کارگران نه تنها مخالف دخالت وزارت کار در شکل و مضمون شکل های خود هستند، بلکه با صدای بلند اعلام کرده اند: "وزارت کار بایستی ملجا و مرجع کسانی باشد که مورد ظلم فراری گیرند و بصری... به هر فردی بهانه ای نمی توانند مورد دیدنشان باشد". (ماده ۹ قطعنامه انجمن های اسلامی کار ریاحات تهران) ارزش هر قانون کاری در درجه اول تا این ملاک سنجیده می شود که تا چه اندازه به طبقه کارگر اجازه داده است که سازمان مستقل خود ای خود را تشکیل دهد، تا چه اندازه فعالیت طبقه کارگر را تحت ایجاد دوسراسری کردن سازمانهای مستقل خود، حالی از هرگونه ایسم گوئی، به رسمیت می شناسد. بر سر پیش نویس قانون کار تازه نشان می دهد که منظور قانون کار جدید از شوراهای اسلامی کارگری در حقیقت انهدام شکل های واقعی کارگری و دولتی کردن آنهاست. از این نقطه نظر، این پیش نویس یا درجای پای قانون کار آقای توکل می گذاشته است. █

توکل می گفت: "کارفرما باید مختار باشد که بهر نحو لازم دید سرمایه خلاص را در جهت توسعه اقتصاد به کار اندازد و نباید قید و بند برایش درست کرد". (سخنار مدیران صنایع). چون: خدا برای آزمایش بندگانش به یکی ثروت بیشتر می دهد و یکی کمتر... ثروت برای آزمایش است. این فقر هم برای آزمایش است. تا ببینیم... ثوی فقیر آبروی خود را حفظ نمکنی و صورت خود را با سلیبی سرح میکنی... روزی از بند می خواهی... ذلت کس کنی... ما تابع این فکر هستیم". (نشریه اعتماد ۸ آذر ۶۱). این ایده ها که از مصالح کلان سرمایه داران دفاع می کنه میای کار مسئولان کارگرسپهر جمهوری اسلامی ایران بوده هست.

مطابق این سیاست وزارت کار علنا از ماده ۲۳ دفاع می کرد: "شماره معدود شوراهای اسلامی تقاضای لغو ماده ۲۳ را کردند. این صحیح نیست" (توکل می کیهان اول تیر ۶۱). و به بهانه های بوج، شوراهای کارگری را منحل می کرد (بخشنا به می ماه ۶۰ وزارت کار). و تنها شورایی را "قانونی" قلمداد می کرد که رضایت کارفرمای سرمایه دار را جلب کرده باشد. (بخشنا به شهریور ۶۱ وزارت کار). وزارت کار به بهانه اینکه "قوانین الهی" و مسلمات" شور بردار نیست، سنجگانه ای کارگران یافته سوزنی و خیاطی و کفناشی (خرداد ۶۱) و ۷۰ سندیکای کارگری تهران (۶۰ مرداد ۶۱) و شمار بسیاری از شوراهای کارگری را منحل نمود. مطابق همین سیاست، وزارت کار، و تعاونی های کارگری را هم متلاشی می کرد. مثلا "اتحادیه تعاونی های مصرف کارگری اطهان" را که ۵۶ تعاونی و ۴۰ هزار کارگر تحت پوشش داشت، منحل نمود.

طراحان این سیاست، به درستی قدرت کارگران را در شکل یافته بودند. کوشش اصلی وزارت کار هم متوجه همین بود. همین منظور وزارت کار لایحه "قانون شوراهای اسلامی کارکنان" که به گفته کارگران فقط نام شوراهای عاریت گرفته بود، به مجلس پیشها گذرد. وقتی ۱۳ مرداد این لایحه

گرانی: غارت بی بندوبار مردم

گرانی بنیادینی کند. قیمت بسیاری از کالاها هرماه و هر هفته همچنان بالایی رود. مردم هرروز احساس میکنند که از قدرت خریدشان کاسته می شود. و با درآمدنا چیزشان کمتر از قبل می توانند با احتیاج اولیه زندگی خود را تهیه کنند.

اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی اعلام نمود که تا خالصهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران، در آذرماه سال ۶۲، ۱۵/۸ درصد و در ماه اول سال ۱۹/۱ درصد نسبت به دوره مشابه قبل افزایش یافته است. گرچه بانک مرکزی میگوید دست بردن در ارقام، میزان واقعی تورم را آلبوشانی کند، با این وجود ارقام ذکر شده عمق بحران اقتصادی، افزایش لحام گسخته قیمت کالاها و تورم فزاینده را به نحو بارزی نشان می دهد.

میزان تورم به مراتب بیشتر از ارقام ارائه شده توسط بانک مرکزی است. قیمت برنج در بازار آزادانه کنونی ۱۲۰ تومان رسیده است. لیه کیلویی ۵۰ تومان فروخته میشود. جدول زیر قیمت چند قلم اجناس ضروری را نشان می دهد:

| نوع کالا | قیمت |
|----------------------------|-----------|
| لبوان (یک نوع ساده) یک عدد | ۳۰۰ ریال |
| بشقاب | ۵۰۰ " |
| چیت ساده (متری) | ۳۰۰ " |
| شیرآهن (هر کیلو) | ۵۰۰ " |
| عسلی (هر کیلو) | ۳۰۰ " |
| لوبیا چیتی | ۴۰۰ " |
| نخود | ۳۰۰ " |
| لیله | ۵۰۰ " |
| سیلانی | ۲۵۰-۳۰۰ " |

گرانی سرسام آورده مساله خادم مردم تبدیل شده است. کبر مردم و رفتار گرانگرمی می شود. تورم، دستخوش اقتدار حکومتش را هر چه بیشتر می بلعد. در حالیکه قیمتها به منظور سرسام آورندگی رود، دستمزد کارگران و حقوق کارمندان همچنان طی چهار سال اخیر ثابت مانده است. در عوض، تجار بزرگ با احتکار کالا و فروش آنها به قیمت گزاف در بازار، ثروتی کلانی آید و خسته اند. فلاکت و رنج جانگناه نانی از افزایش اسفناگسخته قیمتها، مردم را به احتمال کشنده است.

حنگ خانمانسوز ایران و عراق، تاثیرات فوق العاده مخربی بر امر تولید و توزیع و بالنتیجه بر افزایش شدید تورم گذاشته است. رهبران جمهوری اسلامی زیرمقار " جنگ مساله اصلی است " پیش از یک سوم بودجه سالانه را به هزینه های کمربتنک جنگ اختصاص داده اند. به گفته نماینده مجلس (خدا بنده - اطلاعات ۲۰ آذرماه ۶۲) " در روز ۲۲ میلیون تومان صرف جنگ می شود ". این ارقام نجومی، بجای اینکه به خدمت تولید و رفاه زمینکنان در آید، صرف خرید سلاح از کشورهای میزبانستنی جهت کشتار مردم و تخریب مناطق جدید زکشور ایران و عراق می شود.

کاهش تولید ملی، در چند سال اخیر نقش زیادی در افزایش تورم داشته است. تولیدات کشور به جوجه قادر نیست بخش قابل توجهی از نیاز مندیهای جامعه را تامین کند. جمهوری اسلامی بجای برنامه ریزی در جهت افزایش تولید، بسیاری از واحدهای تولیدی را تعطیل و یا متروک و یا تولید آنها را مختل کرده است.

سیاستهای فشری و تنگ نظرانه جمهوری مبني بر اخراج و دستگیری عناصر انقلابی و مشخص در واحدهای تولیدی، کاهش تولید کمک می کند. در مدیریت اکثر کارخانجات افراد متعلق و فاقه تخصص و در برخی موارد عناصر فاسد خا خوش کرده اند.

اختصاص بودجه کلان به هزینه های جنگ و از گانهای سرکوب، کثرت از گانهای خدماتی و بیروگرزانیک موجب افزایش هزینه های جاری و کسری بودجه شده است. بطوریکه دولت هر سال حدود یک صد میلیون ریومان کسری بودجه دارد. برای جبران آن، لوبای بودجه طوری تنظیم می شود که دست دولت ب بانک مرکزی جهت استقراض دراز می شود. بانک مرکزی تعلست نداشتن موجهی کافی مبادرت به چاپ بی رویه اسکناس می کند. اسکناس الافی خود به تعدید گرانی کمک می کند.

در سالهای آخر حکومت وابسته مساله، واردات به طور سرسام آوری افزایش می یافت. بعد از گذشت پنج سال از انقلاب، صادرات کشور نسبت به سال ۶۶ کمتر شده و واردات به طور فوق العاده افزایش یافته است. بگونه ای که تخلیه کالاها و وارداتی از بنا در وقت نبود کامیون، به معضل جمهوری اسلامی تبدیل شده است و تهیه کامیون نقش " استراتژیک " در اقتصاد دورگسخته کشور پیدا کرده است. به گفته بزاد حسینی و وزیر راه و ترابری: " طرف پنج ماه اول سال جاری (سال ۶۲) حجم کل وارداتی به ایران بیشتر از ۹/۵۶۶ میلیون تن بوده که با مقایسه با سال قبل ۲۲۲/۳۴۲ میلیون تن افزایش واردات کالا داشته است (۸۲٪). باید بگوئیم که بزرگترین حجم واردات کشور قبل از انقلاب ۱۷/۲ میلیون تن در سال ۱۳۵۶ بود.

اگر همین روند ادامه یابد در سال جاری ۲۴ میلیون تن واردات خواهیم داشت. مطابق ارقامی که بانک مرکزی داده، اعتبارنامه ای برای ورود کالا بازنده، که جمعاً شامل ۱۳ میلیون تن برای پنج ماهه اول سال است. اگر چنین روندی ادامه یابد حجم کالاهای وارداتی به رقمی حدود ۳۱ میلیون تن در سال می باشد (۲ مهرماه ۶۲). این ارقام نشان می دهد که حجم کالاهای وارداتی در سال ۶۲ به رقم نزدیک دو برابر سال ۵۶ رسیده است.

دوره پنج ساله بعد از انقلاب، دوره طلائی برای تجار رچبا و لگرو بوده است. آنان هر چه می توانستند مردم را با بی بندوبار و بی فروغی خود افزودند. اثناشت سرمایه تجار بزرگ از محل سودا تجاری و احتکار روگرا نفروشی در این سالها در تار و پود رشد سرمایه داری ایران بی سابقه است. در این مدت به یاجها رسال انقلاب افرادی سرمایه های بی را بدست آوردند که در ۴۰ سال گذشته بدست نیاورده بودند (اطلاعات ۲۳/۱/۶۲ - حاشی نما بنده آیت اله خمینی در جهاد سازندگی آذربایجان).

تجار بزرگ با تشکیل " تعاونیهای توزیع " امر توزیع کالاهای وارداتی و داخلی را به کمک وزارت بازرگانی به چنگ خود گرفتند و کالاها را در بازار آزادانه قیمتهای چندبرابستر فروختند. به گفته هرندی نماینده مجلس " این معنی نظام جمهوری اسلامی نیست که یک نفر جنس ۳۰۰، ۵۰۰ تومانی را به ۱۴ یا ۱۵ هزار تومان بفروشد و بعد در آخر سال بگوید خدا را شکر که زیر پرچم جمهوری اسلامی توانسته ایستم در مدت یک سال مبلغ ۵ میلیون تومان منفعت داشته باشیم (اطلاعات ۲۰/۲/۶۲). از قبل سیاست اقتصادی جمهوری اسلامی، تنها از محل بودجه دولتی، ۶۰۰ میلیارد تومان نقدینگی به هزینه بخش خصوصی وارد شده است و به گفته بانکی سرمایه داران ایران تا سال ۶۱، ۲۸۰ میلیارد تومان سودخالص بردند (اطلاعات ۳ بهمن ۶۲).

نقشه در صفحه ۸

با جمع آوری کمک های مالی

فدائیان خلق را در انجام وظایف

انقلابی خود یاری دهید.

املاک بزرگ مالکان باید بین دهقانان تقسیم شود

مسائل مبارزین چپ و نیازهای جنبش

اغلب دهها شرط برای کمترین همکاریها با دیگر نیروهای مردمی قایل می شوند و تشکیل جنبه، و هزوع ائتلاف با دیگران را مشروط و شرط اصلی آنرا هم در عمل تا مین رهبری خود شان تعیین می کنند. این نیروها "شکرذگی" درجه متحده نیروهای خلقی راه یکا مسر ارادی و فرمایشی وحشی به یک پیش شرط تبدیل می کنند، تا بدین رسید کقام سازمان سیاسی علاقه آرزو ندارند که خود در راس جنبه متحده نیروهای مردمی قرار بگیرد؟ روشن است که همه سازمانهای سیاسی چنین تعابیلی دارند و برای آن نیز مبارزه می کنند. اما اگر هر یک بگویند که رهبری ما با رهبری جنبه ائتلاف ما شرط تشکیل جنبه است، اگر آنها برای مردم و نفوذ و نیروی توده ای در تعیین سرکردگی جنبه نقش قائل نشوند، اگر رهبری جنبه راه آزادی و فرمایشی شنا کنند آیا دیگر راهی برای تشکیل جنبه باقی می ماند؟ بدیهی است که پاسخ منفی است و در چنان صورتی، نتیجه مبارزه هم منفی است.

جدایی از جنبش توده ها

می برسیم آیا این همه "اشتباه" در میان مبارزین چپ موجب انشعاب می شود توده های مبارزنده است؟ آیا آن "خط و مرز" های بی کفایت و بی طرفی که بر آیده شده است می تواند انتظار داشته باشد که این دسته تندنها بازتاب ذهنی و عینی در میان توده ها بیاید؟ پاسخ منفی است. اساساً مسائل مورد بحث و مواضع این مبارزین برای توده های مردم ناشناخته و نامشخص است آنها نیستند. شناختن روند و منطق مبارزه مردم و پیوند دادن و هماهنگ نکردن یکبار خود با آن سراجمه است که اینجور کج رویها از آن می جویند.

سخن همیشگی ما با گروه های ما مانند اقلیت سازمان چریکهای فدایی خلق راه کارگر، و همراهان آن در اساسی این بوده، درست است که شما آرزوی آزادی و خوشحالی مردم ندارید، اما یکبار فعال توده ای، به کار فعال سازمان گرانقدر میان زحمتکشان نمی پردازد.

مبارزین چپ برای اینکه آرزوهای مردمی خود را به مردم نشانانند، نخست باید آرزوها و خواسته های واقعی توده ها را درک کنند. آرزوی دستنهایی به وسیله ایستیم. آنهم در کوتاهترین زمان ممکن آرزوی پولایی است اما نگاه کوتاهی به واقعیت ها نشان می دهد که هنوز تا روزی که بهترین آرزوهای مبارزین چپ، توده ای شود آگاهی می توانست راهنمای حرکت مردم گردد، راه دشواری در است.

مبارزین چپ باید به کم و کیف برآیند عمومی مبارزات مردم توجه کنند و برای تعیین شعار و اتخاذ تاکتیک و افعال و نه در حرف، آنرا مینا قرار دهند. گزاینی که می گویند مستقل از جنبه و چون آگاهی و فعالیت توده ها حداکثر خواسته خود را به عنوان شعار روز مطرح سازد، نه تنها هم دتا فیدوتجه مردم قرار

سازمانی بدون "بحران" درست کردید؟ بیوند خود را با مبارزات مردم تحکیم کردید؟ سرنقش و حضور خود در جنبش کارگری و در میان کارگران ایران افزوده؟ نقش نیروهای چپ را در چهار چوب جنبش خلق گسترش دادید؟ به شعوری و سیاست ما رکت - لیستی بدون لغزش دست یافتید؟ پاسخ همه این پرسشها به شدت منفی است. شما در کنگره خود اذعان کردید که انشعاب "زودرس" بود. مانی گوئیسیم "زودرس" بلکه می گوئیم نادرست و بسیار زیان بار بوده است. آنچه مورد مخالفت شما بود، یعنی روند تکوین فکری فدائیان خلق در عرصه ایدئولوژی و خط مشی، بنی از انشعاب نزد صفوف شما شروع به رشد کرد.

اقلیت نه تنها هیچیک از آرزوهای خود با انشعاب جامعه عمل نیواند، بلکه "بحرانی" که می خواستند با انشعاب از چنگ آن رها شوند، پس از انشعاب چهره واقعی خود را نشان داد. ما اینهمه بار کما بی پیدا آیدند که زر بعلم "بحران در جنبش کمونیستی" و جبهه های عمیق دیگری از این دست، به دفاع از تفرقه و انشعاب برخاستند و "انشعاب" کردند، در مورد فدرالان "فراخوان کنگره" که در ۱۶ آذر ماه اعلام موجودیت کردند، مقاله را بنام هم می نوشتند. راستی هم شکفت و آوری که کما بی اعلام کنند با خطر "وحدت اصولی" انشعاب می کنند. تلاشهای رهبران انشعاب که می خواستند بر پایه خدیشها جوت توده ایران خط مشی سیاسی جدیدی در برابر "خط مشی اکثریت" ارائه دهند، هنوز به هیچ حائسی نرسیده است. کما بی از مردم که این انشعاب با اطلاع آنها رسیده رگزمه اند که این گروه کد ام راه جدا گانه می راهی که راه مشترک توده ایها و فدائیان نیست، فراروی خود قرار می دهد؟ کما بی که روز ۱۶ آذر یکباره در برابر سازمان خود منف کشیدند. آیا واقعاً بدون زیر پا گذاشتن وجدان علمی و انقلابی می توانند، همچنان با این انشعاب صحنه بگذارند؟ سازمان فدائیان خلق ایران امروز هم مثل آرزو که انشعاب اعلام شدند انتظار دارد که این جدائی پایان بگیرد و رفقای که بنا به دلائل کاملاً بی اساسی صفوف سازمان خود را ترک کرده اند، بسینه سازمانشان برگردند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران بارها و بارها اعلام کرده است، این انشعاب ها و تفرقه گرانها، "راه خل" هیچیک از مسائل مردم زحمتکش نیست. این گروه انشعابها، عوارض و پیا پیا مدهای یک بیماری و انحراف خطرناک است که نشه بر ریشه مبارزین چپ می زند و اساس موجودیت آنرا نابشاند. یک جریان انقلابی مورد تهدید قرار می دهد. کما بی که به اینگونه گزاینها تن می دهند، برسرتاخه نشسته و بن می برند.

تفرقه گرایی دردیدگاه مبارزین چپ نسبت به اتحاد نیروهای فدا میرالیستی و مردمی نیز، همگونه ویرا نگر بوده و بجا مند بسیار زیان باری دارد. آنها اغلب، بحای اینکه مسئولانه به جستجو و شناخت هدفها و خواسته های مشترک نیروهای مردمی برآیند و این وجوه مشترک را برای نزدیکی نیروها نمود و تکب و تاکید قرار دهند و بر همین پایه برای اتحاد نیروهای رزمنده خلق مبارزه کنند، در بدر در جنبش "تضاد" و "اختلاف" هستند، تا آنها را عزم کنند و از این تضادها ساز اختلافات در عالم خیال، دیوار چپس بین نیروهای انقلابی و مردمی بکشند. این نیروها

امروز، ما در شرایطی یکبار می گوئیم که دشمنان همه نیروی خود را برای نابودی تمام دستاوردهای انقلاب بهمن یکا رگرفته اند. ضرورت اهمیت و فوریت اتحاد نیروهای مردمی برای پیشبرد پیروزیها تا مین یکبار، اکنون بیش از هر زمان دیگری احساس می شود. بسا اینهمه گروههای مبارز چپ، نیروهای بسا آرمانهای سوسیالیستی که بر اساس و بزرگی فدا میرالیستی و مبارزاتی خویش، از دستهای بندبهای ما خوئیتی و هم اندیشان و همراهان آنها متمایز می شوند، و بخش مهمی از جنبش انقلابی کشور ما هستند، همچنانکه بزرگسنگی پیوند خود با روند عینی جنبش مردمی در کشور ما جنبش جهانی کمونیستی با فشاری می کنند و گرفتار نشدند بکنشهای ایدئولوژی و تفرقه گرانسی هستند.

برای هیچ انقلابی صادق، مشاهده این رویدادها نمی تواند تا آس آوری باشد. گروههای چپ، خود مسئولیت اصلی را در برابر آدا که این رویدادها بر عهده دارند. آنها باید دست کم تا بررسی آرمونها و چند ساله بین از انقلب سهم و بهره گیری از آموزشهای پیشکاری که در جنبش انقلابی ما اندوخته شده است، به تلاشی جدی برای حل این مشکلات بپردازند. سازمان فدائیان خلق ایران بسهم خوئش و یکبارنه می گوشه تلاشهای رهجویانه نیروهای مبارزات تقویت کنند و در مبارزه برای پایان دادن به تفرقه و تفرقه گرایی که این نیروها گرفتار آند، شرکت نمایند.

پراکندگی به سود کمیست؟

شاید می شود که دسته تازه ای از این بسا آن گروه "انشعاب" کرده است برای چه ؟ هیچکی قبیل از همه، خود کما نیکی "انشعاب" کرده اند هرگز نمی توانند ضرورتی برای آن بیابند. البته اغلب جزوای از پیش آماده هستند تا "مواع" "جدید را" توضیح دهد. اما گاهی پیش آمده است که عمر گروه منشعب شده از بدین زمانی که برای مطالعه و بررسی توضیحات لازم است، کوتاه تر بوده است. کما بی، گروه خود را "بحران زده"، "چپ رو"، "راست رو" و غیره معرفی می کنند و راه حل را در این می بینند که "انشعاب" کنند. اما آنها نیز بسا از انشعاب در نخستین گام بسا "چه باشد کرد" و "از کجا باید آغاز کرد" رو برو می شوند و باز گروه جدید خود را در "بحران" و "دچار" بیماری "چپ روی" و یا "انحصراف رو بیونستی" تشخیص می دهند و نتیجه هم از پیش معلوم است: انشعاب.

آیا کما نیکی از این اقدامات دفاع می کنند یا به آن تن می دهند، اندیشیده اند که بسا مدون دستاورد این "انشعاب" های بسیار و تفرقه گرانها، جز ضربه به خود گروه های مبارز رو بسا بسا بدن در مجموع جنبش انقلابی چه بوده است؟ امروز بحراب کونگونی در این زمینه وجود دارد که مبارزین می توانند از آنها بهره مند شوند.

سهمرو آموخته ترا هم در سالهای پس از انقلاب انشعاب اقلیت از سازمان است. آیا آن رفقای قدیم ما، آن مبارزین صادق که در صفوف اقلیت فعالیت می کنند پس از انشعاب توانستند مسائل و مشکلاتی را که پیش روی خود می دیدند، حل کنند؟ ما از این مبارزین می پرسیم: آیا با این انشعاب،

مسائل مبارزین چپ

بقیه از صفحه ۶

نمی گیرد، بلکه مردم با آن احساس بیگانگی می کنند. رهبران جنبش کمونیستی نارهنار و بارها گفتند و از من هم انقلابی نزن تا بس است کرده است که توده ها تنها آن شعار را از آن خود می دانند که آری بپذیرند و با مبارزات خود منطق بدانند. تنها شعارهایی که واقعا با طبع رشد آگاهی و مبارزه توده ها هماهنگ است، در مبارزه توده ها جاری می کند و به شمار آنان بدل می شود. شعارهایی که مردم میبایست گرد آنجا تسبیح شوند و برای تحقق آنها مبارزات واقعا موجود در آبش بیرند. با بدبینان فسرده خواستهای زنده خود آنان را باشند. مساله سازماندهی حرکت و مبارزه عملا موجود مردم است نه سازماندهی یکجا جرای خیالی و ذهنی برای آنان یا ستام آنان!

بیگانگی با دشوری و برنام ه جنبش جهانی کمونیستی

مبارزین چپ همواره می گویند که مسائل را "در بر تو ما رکسیم - لنینیم" باید حل کرد. اما آنها با ما رکسیم - لنینیم خلایق، یعنی با دشوری و شی مشترک جنبش جهانی کمونیستی حداقل بیگانه و در بسیاری موارد در تضادند. چنانچه این مبارزین به ما رکسیم - لنینیم خلایق مجهز بودند، مساله اساسا به گونه دیگری می آید و در آن صورت مبارزه توده ها برای آنها نامحتم و بیزه خودزایی یافت، روند و منطق این مبارزه بدرستی شناخته می شود و هماهنگی و پیوند با آن هموار می شد. اما اکنون چنین نیست. گروههای مبارزین مورد نظر اگر چه بطور کلی آرمانهای طبقه کارگری را می ستایند و بطور ناگهان و بالقوه هریک دارای اعتقاداتی برای شناخت و گزینش اندیشه و شی اعتقادی طبقه کارگر هستند. اما بدلیل جدایی آنان از مبارزات توده ها، بدلیل اینکه در موقعیتی قرار نگرفته اند که به حل مسائل واقعی مبارزه مردم بپردازند اغلب در برابر همان خطاهای قدیم تر گرفتارند.

ما رکسیم - لنینیم بر پایه بررسی و جمعیتداری روندهای عینی، در پیوند با مبارزه واقعی که طبقه کارگر و نیروهای مردمی در برابر جهان پیش می برد و با جنبش خلاقانه و فریاد و فرهنگ بشری پیوسته و تکامل می یابد و تازده ترمیمی شود. این حاصل کار مشترک همه کمونیستهای دنیا است که در برابر جهان، در مبارزه با ظلم و طغ، استقلال، دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم شرکت داشته و در این جنبش مبارزات قرار دارند. جنبش جهانی کمونیستی همواره بر دشوری و برنام ه مشترک جهانی برای برخورد با روندها و روندهای انقلابی جهان و برهبری جنبش انقلابی مجبزه است. دشوری و برنام ه مشترک جنبش جهانی کمونیستی به این است که گردانهای کمونیست و کارگری همه کشورهای رابری می کنند تا روندهای مبارزه را در کشور خود شناسند و استراتژی - تاکتیگ مناسب جامعه خود را به درستی و طبق یک اصول روشن پایه ریزی و تنظیم کنند. اسناد و کردار همایی های اجزای کمونیست و کارگری در سالهای ۱۹۲۴-۱۹۱۷ توسط سازمان ما ترجمه و انتشار یافته است. آن اسناد در برابر هی هشتاد و هشتاد و شش مشترک و شی عمومی کمونیستهای جهان را در روزگار ما توضیح می دهند.

حزب کمونیست اتحاد شوروی در تکامل و ارتقاء دشوری و برنام ه جنبش جهانی کمونیستی و در نتیجه این اسناد در برابر هی هشتاد و شش داشته و دارد. برخی از مبارزین چپ، علیه شعارهای پر شور خود در ستایش از ما رکسیم - لنینیم، حتی مطالعه یکبار این اسناد را نیز به خود ممنوع و حرام دانسته اند و بیگانه خیال بر یاکردن یک "جنبش کمونیستی" دلخواه خود، با جنبش کمونیستی جهانی واقعا موجود در برخورد استیزه جویانه و شی خود را از ما می دهند و خصوصا در این تلاشند که با "مرز بندی مشخص با حزب کمونیستی"

ناخدا افضلی و یاران اعدام شدند!

بقیه از صفحه ۲

فرماندهان شاه، دوست حتمی است. چه کسانی جز بنا زبان و سر با زانی از تبار روزه ها، سرهنگ سیا تک ها و مینبرهای می توانستند باشند؟ افسرانی که در برین نظام آمریکا سی ارتش شاه، راه ورسم وفاداری به مردم رابینه کردند، برای متبای زات و پاداشهای شاه، پوزخدر زدند، جسم به مدارج و "تعمیرات" اهدافی شاه بستند، دراز و درگاه ظلم و ستمکاری علیه ستم و ظلم شوریدند، اطاعت کورگوران را در ارتش ذیهم شکستند و واقعی وانسانی خدمت به مبین راه اردام توده ها فرا گرفتند و با اهدای خون پاک خود بسراه توده ای خود فرقا دارا شدند. افسرانی که سیاس و احترام خلقی تهرمان را بر آب ریختند، مردم اینان را فرزندان لایق خود می شناسند و همانگونه که به نقش آنان در به پیشروزی نشانیدن انقلاب راج می گذارند، تلاش اینان از آنرا در سرکوب ضد انقلاب و بویژه جا بنا زبانی آنان را در دفع تجاوزات ضدام به حساب میبماند. هرگز فراموش نمی کنند. نام هریک از این افسران مبین پرست و وفا دار به مردم قهرمانیها در راه دفع تجاوز و ضدام همراه است. و در این میان نام ناخدا سهرام افضلی فرمانده نیروی دریا فی و سرهنگ هوشنگ عطاریان افسر شجاع و مدرن نیروی زمینی، بیشتر بر لوح فعالیت انقلابی ارتشیان مبارز می درخشد. زمانی که افسران مرتجع و سلطنت طلب، خاک کشور ما را در اختیار ارتش ضدام می گذاشتند، چه کسی جز این مبین پرستان آغشنگیها را رفع کردند و پیش افتادند تا با امیدا گل سربازی آزادی مبین تجاوزات را در هم شکستند؟ توده نظامیان در نیروی زمینی، در با شی و هوایی بخوبی به نتیجه فعالیتهای این افسران مبین پرست در تقویت خط انقلاب در ارتش و مقابله با تبلیغات افسران مرتجع و شاه دوست، واقف هستند. حرمت انقلابی آنان را جاودانه باس می دارند. همیشه می دانند که دانش نظامی، وفن رهبری این افسران انقلابی بطور کامل مصرف حفظ و تحکیم انقلاب بوده است. تضاد فی نیست که آنان در میدان پر توب و تاب دفاع از استقلال مبین و دستاوردهای انقلاب به درجات بالای نظامی رسیدند و فرما بنده ای باشند. امروز از نظر مقامات جمهوری اسلامی، خادمین به مردم "خائن" قلمداد می شوند. چرا که خود راه خیانت به مردم را در پیش گرفته اند. حکومت با اعدام این انقلابیون با ردیگر خصوصت خود را با راه مردم و دوستداران مردم به ثبوت رسانند. حکومت با تبلیغات تهر آگین علیه این افسران و علیه حزب آنها می گویند راه و روش و سیاست حزب توده ایران را در نظر مردم مخدوش کند و راه و روش و سیاست سرمایه داران دشمنان مردم را تطهیر کند. حکومت با اعدام این افسران مردم دوست آشکارا تر از همیشه نشان داد که قصد دارد راه دوستی با امیرالیستها را با پیکرهای خونین کمونیستها و دیگر انقلابیون و مبین پرستان مفروش کند. حکومت بر آن است تا با توسل به سیاست شلاق، زندان و اعدام در مورد نظامیان، اطاعت کورگوران راه ارتش بازگرداند.

اتحاد شوروی هویت خود را "مشخص" کند! هرگز و هر انشعاب تا زه ای از یک گروه و گاهی حتی یک آدم به تنهایی بخود اجازه می دهد که راه ورسم مشترک کمونیستهای جهان را مردود اعلام کند! و مدعی شود که این اوست که حتما برای اولین بار می خواهد راه ورسم کمونیستی را بگری ستاند و...!

طبیعی است کسانی که زیر پرچم مارکسیم - لنینیم مشترک کمونیستهای جهان را کنتر می گذارند و به تنهایی می خواهند مارکسیم - لنینیم را تفسیر کنند و تنها خود را مرجع خود می دانند، در کلاف خطرناک با و رهای ذهنی استیزه می شوند. اندیشیدن به سوسیالیسم متفاوت با سوسیالیسم واقعا موجود، تلاش برای برپا کردن یک "جنبش کمونیستی" جدا و در برابر جنبش جهانی کمونیستی و تکیه کردن به مارکسیسمی سواي آنچه اندیشه و برنام ه جنبش جهانی کمونیستی را بی می انگند و در آن متیلور می شود. همانا بنیان کل و سرچشمه کل آلوده ای است که جز با اصلاح آن، به هیچ شکلی نمی توان به گرفتار ربهای مبارزین چپ با ساسن داد.

مسائل مبارزین چپ

مسائل مبارزین چپ، جزئی از مسائل جنبش انقلابی ما ست و می باید در رابطه با تکلیف مبارزهای جنبش حل شود. این مبارزها باید شناخته شوند، حلقه های اصلی آن مشخص شده و در حل مسائل جنبش مورد تاکید قرار گیرند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تا کنون در راه امروز، مبارزه در راه اتحاد نیروهای مردمی در جنبش ما، و طبقه ای میزم، ستادی و تاخیری ناپذیر است. ما ساسبه مسئولیتی که در جنبش انقلابی کشور ما بر عهده داریم، با ساسر اهمیت و فوریتی که برای اتحاد همه نیروهای مبین پرست و مردمی، خصوصا مفاقیمن استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی تشخیص می دهیم و بر پایه هدفهای مشترک بسیار مهم و متعددی که وجود دارد در راه نزدیک کردن و اتحاد عمل و اتحاد مرحله گسترده تر نیروهای مبارز و مردمی می گوئیم.

گروههای مبارزین چپ ای مشخصی در چهار جنب اتحاد دنیروهای مردمی دارند. آنها با ساس تناسب با همین امروز راه اتحاد عمل با سایر نیروها واقعا و بطور موثر بیگا رکنند. ما می توانیم مبارزه در این راه را به حلقه اصلی مبارزه برای آرمان بردن بسیاری از گرفتار ربه و پراکندگیها تبدیل کنیم. اقلیت راه کارگر، انتخاب ۱۶ آذر و دیگران علیه فرم همه اختلاف نظر ها، بر سر برخی از مسائل عمده با سازمان ما دارای مواضع مشترک هستند. مبارزه علیه امیرالیسم جهانی سرکردگی آمریکا برای تامین استقلال همه جانبه کشور، مبارزه علیه نظام غارتگر سرمایه داری بزرگ مالکی به منظور تامین عدالت اجتماعی و رهای طبقه کارگر و رخنه کشان، مبارزه علیه دیکتاتور و استبداد نه منظور ما نیست و از ادب با حقوق فردی؛ مبارزه علیه حکام راست جمهوری اسلامی که در راه تحکیم نظام غارتگرانه سرمایه داری حفظ و استگی کشور به سبب جنبش جهانی کمونیستی سرکوب نیروهای مبین پرست و انقلابی و لگن کوب کردن آزادیهای فردی و اجتماعی گسام بر می دارند. آنجا ای بنیادین و مهمی هستند که میان ما مشترک است. هیچ پیش شرطی نمی تواند و بنا بد اتحاد ما و همکاری نیروهای را که در این مبارزات شرکت دارند مانع شود یا با اختلال روبرو سازد. ما با کارگرفتن همه امکانات مناسب، برای حل مسائل و حرکت در سنت آمجاهای جنبش را لازم و ضروری می دانیم. بیاشد همه ما هم هر چه بتوانند در راه اتحاد نیروهای خلق در جنبه متحدخلق بیگار کسیم.

حزب جمهوری اسلامی و فعالیت در میان نیروهای مسلح

مثلی است معروف که می گوید آنچه را که بر خود بینی پسندی، بر دیگران میسند. اما مقامات جمهوری اسلامی این ضرب المثل را برعکس می فهمند.

در جریان محاکمات فرماندهی نظامیان مبین پرست، دادستان و حاکم شرع حکمه هم تلاش خود را کردند تا به اصطلاح "گناه کبیر" این متهمین، یعنی نقض دستور آیت الله خمینی درباره منع فعالیت سیاسی نظامیان و عضویت آنها در احزاب را اثبات کنند. همزمان با این تلاشها، رای شوری طی یک ماه مبارک از دیوبند و تبریز می آید که سازمان ما خاطره اصطلاح عدول از همین فرمان، منحل اعلام خواهد شد. درست یکماه قبل از محاکمات فرماندهی و این مصاحبه گذاشتی، فرماندهی کل سپاه پاسداران اطلاعاتی را در مرحله پیام انقلاب ۱۹ آذرماه سال ۶۲ درج کرد که جزو فعالیت حزب جمهوری اسلامی بین نظامیان نام دیگری ندارد!

اصل مطلب در این اطلاعیه به مسائلهای بلاغی بود رابطه ایدئولوژیک و سیاسی و ارتباط نظامیان با حزب جمهوری اسلامی است. اگرچه بهتر آن تشخیص داده می شود که نه آنها خود را عضو حزب معرفی میکنند و نه حزب آنها را انگار می بیند. طبع این اطلاعیه "رفت و آمد" نظامیان در مراسم حزب جمهوری اسلامی و شرکت آنها در جلسات عمومی که از طرف حزب برگزار می شود، هیچگونه مانع می ندارد، همچنین، "شرکت (نظامیان) در کلاسهای آموزشی کنایی که مخصوصا جمعی است آنها بر شخصیت حزبی آنها علیه دارد (کدام یک از رهبران حزب جمهوری اسلامی و مسئولان حکومت اینطور نیستند)؟ مانند رئیس جمهور (دیریکر حزب جمهوری اسلامی) و رئیس مجلس شورای اسلامی (نظریه پرداز و جهره سرشاین رهبری حزب...) و مانند آنها بلاغی است. "وبالآخره" البته ممکن است افرادی (پاسدارانی) که در گذشته در سازمان و با حزبی بوده اند، بر اساس شناختی که از هم دیگر دارند در یک نقطه بهم کار کنند و یکدیگر را جذب نمایند... و به زبان تکنیکال یعنی حوزه تشکیل دهند و محفل حزبی سازند. قطع و قویع نظامیان مبین پرست از یک سو و صورت این اعلامیه از سوی دیگر بخشی نشانه سیاست حکومت را در مورد فعالیت سیاسی نظامیان افتاء می کند.

اصولا "آماج عمده" فرمان "سال ۶۲ آیت اله خمینی از همان ابتدای، منع فعالیت نظامیان در احزاب و سازمانهای انقلابی بود. این حکم در عمل بمتناهی اتخاذ استراتژی تبه کردن ارتش از نظامیان ترقیخواه و مبین پرست بود. بدیناال این اقدام بوده که موج اخراج ها و پاکسازی ها ابتدا ارتش و بعدها سپاه پاسداران را فرا گرفت و همزمان با آن، تحت لوای "پارسی" استمالت از افسرانی که سابقه فعالیت مستمر در انقلاب داشتند شروع و افسران شادوستی که پس از انقلاب از نیروهای مسلح کناره گرفته شده بودند، دموته کار شدند. دستگیری و ریزش گشته بردن عده ای از مبین پرست ترین نظامیان به دلیل طرفداری آنان از اندیشه های مردمی حزب بوده ایران مرحله بعدی استراتژی تبه کنی کردن ارتش از پرسنل انقلابی بود و چندی پس از آن بودند غیر مصنفیه و سرکارتاری عده ای از فرماندهان نظامیان و فرماندهان آرمانهای انقلاب در سپاه پاسداران بگوش رسیه وابستگی زمانه از آن حکومتی پس از تصفیه های تند و خونین نظامیان را مطمئن می سازند که حضور آنها در احزاب و دسته جات "خود" هیچ مانعی ندارد. البته حضور نظامیان شادوست و آمریکا می هم مدتهاست که تضمین شده است.

بدین ترتیب کمالا فاش می شود که منظور اصلی از گزینش این استراتژی، تبه حیح وجه تحقیق این امر خیالی نبوده که ارتش و نیروهای مسلح در معرضه سیاسی نشاندیده باشند. منظور آن بوده که نظامیان مبین پرست کناره گرفته شوند و نیروی مسلح به وسیله بلاراده سرکوب مبارزات سیاسی مردم بدل گردند.

نیت رهبران جمهوری اسلامی این بوده که سپاه پاسداران به تازوی مسلح حزب حاکم، تبدیل گردد و ارتش در خدمت بیشتر اهداف آن قرار گیرد.

این امر که گویا نیروهای مسلح باید مستقل از طبقات و اقتار را با هم و سازمانهای سیاسی آنها باشند، سخن حکامی است که می خواهند در برابر مردم تازوی مسلح خود را بیگزینند و مطیع نگهدارند. این حرفی پایه و دروغ، بارها و بارها در طول تاریخ از سوی حکومت های ضد مردمی و غیر مردمی پیش کشیده شده است. محمدرضا شاه هم می گفت که ارتش را با سیاست و احزاب سیاسی کاری نیست، اما در همان حال همه نیروهای مسلح را در خدمت اهداف خود و امر ای قرار می داده و آنها را از حمایت مردم محروم نگذاشته است. در صورتی که در جمهوری اسلامی در پاکستان و ترکیه هم، همین رانگوار کرده اند. زرنال ضیا الحق زمانی می گفت که ارتش پاکستان کاری ندارد و وقتی که توسط ارتش قدرت از نوع آمریکایی را بدست گرفت، بازگشت به ارتش به سیاست نیستی بردار و فقط "امنیت" را تا مبین می کند و حرفها و اعمال زرنال اورن هم همین دقیقا، روسوخ ضیا الحق پاکستانی است! در موارد مشابه دیگر هم، وضع همین است! در طول تاریخ، تنها حکومت های مردمی و نیروهای مردمی بودند و هستند که با دفاعه و آگاهانه این اعتقاد را در میان توده مردم و نظامیان اشاعه می دهند که: ارتش هرگز نمی تواند از طبقات اجتماعی، ساستها و ایدئولوژی های آنها و احزاب و سازمانهای سیاسی آنها جدا باشد و باید هم جدا باشد.

تجربه تاریخی کشور خود ما هم دقیقا موبد این امر است. در برابر زمان مبین پرست و راین قزاقهای طرفدار انگلیس کلنل محمد تقی خان پسبان، این افسران آزاده و استقلال طلب حضور داشتند. در برابر اندامهای قلندر زمانه سرگردان اهلوتی سرسبز بودند. در صفوف نیروهای مسلح بین ازشهر شور ۴۵، از یک سو مبین پرستان قهرمانی چون روزبه ها، سیمکها، و کلتی ها و افسران ملی گرایی چون معنار و افشار طوس و از سوی دیگر نظامیان خائنی چون زاهدی ها و نمیری ها

و... به چشم می خوردند. اویسی ها و زاهدی ها و در مقابل آنان جانبازان لویزان، نظامیان قصاب ۱۷ شهریور و دیروز را، سرانجامی که انگلیهای اهدایی مردم راهم چون نشان افتخار به سینه نشانند، در مقابل خسرو داد و کار دوفا دار به سوگند آمریکایی، همافسران قهرمانی که از سر سقوط رژیم سلطنتی را به صدا در آوردند. پس از انقلاب هم در برابر دریا دارندی ها که در کشاندن مجدداً ایران زیر سلطه آمریکایی تابی می کرد، مبین پرستی چون ناخدا سپهرام افطی و در برابر کوهستان چنان نوزده و باقری ها، افسر شریف ولایی چون عطاربان دیده می شود. هم اینک بیژان دسته از ارتشبان مبین پرست را که برای مردم وفادار مانده اند، به غل و رنجرو پای چوبه اقدام می کنند.

در سپاه پاسداران هم، پاسداران انقلابی و رشع صفه فرامی گیرند، اما در همان حال، سکا فرماندهی ارتش با تعبیل تمام به شاه دوستی که اکنون چانه بله قربان گویشان زیر انبوه رش پشان شده است، سیرده می شود و رسام امور در سپاه بیش از پیش دست نما بندگان تجار عمده فروشی و گردانندگان میدان تهران می افتند.

با توجه به اینها باید پرسید که حکومت بدیناال فریبچه کنی است؟! مگر مردم ما به اعتبار تاریخ غنی خود و سیزده حساب گرانقدر سالهای اخیر نمی دانند که نیروهای مسلح جزء لاینفک جامعه اند و نمی توانند خارج از میدان تاثیر احزاب و سازمانهای سیاسی جامعه باشند؟ زمانه از آن جمهوری اسلامی به اینکه در سپاه تاریخ را حفظ نیستند و بنا واقعت رانسی میسند، بلکه آنها خود را به تقوی می زدند تا به آماجهای نامردمی خود برسند. مگر صد و هفتاد سال حکم قلع و قمع و نظامیان مبین پرست و دوستدار مردم در ارتش و جوار "بلاغی بودن" فعالیت حزب جمهوری اسلامی در ارتش به اندازه کافی از نشه های پرده بر نمی دارد؟ بهر صورت هیچ خوراکی، نظامیان را از آن امثال حزب جمهوری اسلامی نخواهد کرد و هیچ ممنوعیتی هم راه گشایش اندیشه و ابتکار مردمی را در میان نظامیان نخواهد بست. قطعاً روشن است که نظامیان مبین پرست و وفادار به مردم با الهام از نیروهای انقلابی و ترقیخواه، خود را جهت خدمت به مردم خویش، تحمیر خواهند کرد.

نظامیان مبین پرست در شرایط کنونی با روشنی تازم بیشتر از روزها و خواسته های خود را در سازمانها و احزاب ترقیخواه منعکس خواهند دیدند.

گرانی: غارت بی بند و بار مردم

کلیان خود کردند. دادستان ویژه امور صنفی (غلام رفیق کلهر) برای تکمیل این سناریو اعلام کرده است که برای طرح کنترل قیمت کالاها اکتیبهایی موسوم به "گشت انصار الله" تشکیل داده است. رهبران جمهوری که از عملکرد گشتهای "انصار الله"، جنرال الله و... در سرکوب نیروهای انقلابی رهانت دارند، این بار برای تامین غارت تجار بزرگ با چمچاق سرکوب به سراغ فروشندگان جزیره رفته اند. سیاستهای جمهوری اسلامی تنها در جهت تشدید بحران اقتصادی است و ریشه گرانی هم در همین سیاستهاست. برای مقابله با تورم و گرانی دم افزون در کشور باید با غارتگری بی بند و بار سرمایه داری و با سیاستهای ضد مردمی مبارزه کرد.

جمهوری اسلامی برای به اصطلاح مبارزه با احتکار و گرانی معتمدین بازار را موظف کرده است تا در جریان این مبارزه "فرستی" به داد و آلهای صنفی کمک کنند. در ضمن در جهت کارایی هرچه بیشتر و بهتر مسائل صنفی داد و آلهای که بیشتر جنبه فنی دارد، قرار است با هماهنگی برادران بازاری متعدد و باصیل برای اظهار نظر در پرونده، با بررسی استفاده کنیم. در این زمینه طرحی تهیه شده است که خود آنها از بدو تشکیل پرونده تا احزاب را بر سر جریان بوده... (اطلاعات ۱۲ دی ماه ۶۲). بدینوسله جمهوری اسلامی مبارزه با احتکار و گرانی و گرانی فروشی را بدست تجارت مردم منعقد داده است تا هرچه بیشتر مردم را بجا بند و فروشنده های جزیره را قربانی سودهای

"تجار محترم" و مسأله مالیاتها

وضع مالی حکومت بحرانی است. دولت یکی از راههای بزور رفتن بحران را در اجرای سیاست مالی جدید میدانند. اما برنامه مالیاتی دولت بلافاصله بنگی از مسواری اختلاف درون دستگاه حکومت تبدیل شده و درگیری درون حکومت را دامن زد و حسی بیروهای حکومت را به حبه گبری آشکارا علیه بگذرگ کشاند. درگیری در واقع حول این موضوع مهم متمرکز شده بود که چه کناسی رقم اصلی مالیات را خواهند پرداخت؟ ثروتمندان و ملیناژرها و بانکدارها و نهبدستان؟ طبیعتا تامین رعایت "بازاریان محترم" این استوانه های جمهوری اسلامی در مرکز توجه همگی بوده است. کار این مبارزه به آنجا کشید که آیت الله کلباسی طی فتوایی که در بازار اوماحد وینما بخش گردید، پرداخت مالیات را خلاف شرع نامید. (کلبان ۳۰ آذر) متفاسلا آیت الله خمینی علیه آن مومنگیری کرده و کوشید استکار دفاع از منافع بازار راهم- چنان در دست حکومت بگپدارد. این کشمکش که از محافل خصوصی به سطح جامعه کشیده شد بالاخره با توافق طرفین فرو نشست و سه مجرای معمولی خود ایجاد. آخرین اقدام رسمی در زمینه مالیاتها پیش نویس لایحه مالیاتی است که از طریق وزیر اقتصاد به دولت ارائه شده است و در همین جهت است. بدون شک نویسندگان پیش نویس در تهیه و تدوین آن، موضع مخالفان را مورد سهام قرار داده و دولت نیز هنگام بررسی آن این کار را خواهد کرد. در این پیشنویس "سرما به گذاری در واحدهای مختلف تولید" و "تهیه و ایجاد سکنی" و "درآمدهای ناشی از تولیدات کشاورزی" و "مادرات" و "بیسر" "سزیده هایی که مردم در بانکها دارند" مشمول بخشودگی مالیاتی جزئی یا کلی قرار گرفته اند (بمازی ۲ بهمن). این مسأله سرما به گذاری کناهی هستند؟ ما چنان سرما به خردبا میلیونها و میلیاردها؟

اکنون کارگران و کارمندان از مسئولان می پرسند یا تنها اجازه می دهید مالیات بر حقوق ما را هم کمیسویی مشابه با شرکت نماینده اتحادیه های کارگری و کارمندی تعیین کند؟

ساخت حکومت چیست؟ اتحادیه های کارگری و کارمندی غیرنابومی است و جای نمایندگان آنها در زندان است. آری، در حکومت جمهوری اسلامی فقط "تجار محترم" حق دارند اتحادیه داشته باشند و خودشان مالیات خودشان را تعیین کنند. روش حکومت در برابر زحمتکشان ۱۸۰ درجه با روش آن در برابر سرمایه داران تفاوت دارد. طبق گفته رئیسحالی حکومت "از اینها (زحمتکشان) به آسانی مالیات می کشد" و "حلی آسان سرمایه گی می شود مالیاتش را برمی دارد". این گفته ها بقدر کافی گویاست. در مورد مالیات حقوقی بگوران، هم نتیجی وهم ریش دست دولت بوده وهست.

در مورد مسئله مالیاتها، آن سیاستی با منافع مردم منطبق است که راه حفظ و رشد سرمایه های کلان را ببندد و در سمت نابودی کلان سرمایه داری و بزرگی مالکی باشد. نه در خدمت تسلط کردن آن در عرصه تولید و توزیع.

بزرگی کارگران و کارمندان و دیگر زحمتکشان نشان می دهد که حکومت مستمعان به حالی کردن حبت زحمتکشان و برگردن کسه ثروتمندان مشغول است. نمونه مالیات سال ۶۱ موبادین مطلب است. در سال ۶۱، مالیاتی که حقوق بگوران پرداخت کرده اند - به برابر بیشتر از مالیات بر منماغل بوده است. (گزارش نخست وزیر به مجلس). یا نمونه کوسنای دیگر اظهارات نادانی نمایند تحت آسناد است: "بعد از انقلاب بیش از (۶۰۰) میلیارد تومان به جیب بخش خصوصی کرده ایم و اینهم تعداد افرادی را محدود، ولی رسم آنها معین نیست" (اطلاعات ۹ آذر).

سرمایه داران همواره خوشبختند و می گویند که حکومت به اخذ مالیات مستقیم مسا دت نکند و بجای آن با افزایش مالیات غیرمستقیم در مجموعه مالیات، این مسأله به نفع آنها حل شود. تمام خواهد و قرائن نشان می دهند که سرمایه داران در بیشتر نظر خود بیروز شده اند. اکنون افزایش قیمت بیسابقه آب، برق، گاز، سکن، آموزش، درمان، بهداشت و سایر خدمات دولتی این حقیقت را آشکارتر ساخته است که حقوق بگوران با درآمد کمتری از ۴۰۰۰۰ تومان ظاهر "از مالیات معاف شده اند" ولی در واقع امر، همی آنان توسط سرمایه داران و حکومت حامی آنها تاراج می شود. بدین ترتیب حکومت دهها میلیاردر تومان مالیات را از سرمایه داران نمی گیرد، بلکه بر زحمتکشان کشور تحمیل می کند. سیاسی سیاست ضد مردمی حکومت را زحمتکشان کشور می پردازند.

علاوه بر آنچه گفته شد، فشار بر زحمتکشان فقط به سیاست مالیاتی حکومت محدود نمی شود، بلکه همه سیاستهای حکومت این فشار را با هم تشدید می کند. نگاهی به منابع درآمدهای دولت را می بینیم که تقریباً ۶۳ و سایرهای

قبل روشن می سازد که در جمهوری اسلامی همه ساله تکیه یکجانبه بر نفت و مالیات افزایش یافته است. در رژیم پهلوی نیز نفت و مالیات منابع اصلی تامین بودجه بودند. در آن زمان نسبت واردات به صادرات کشور به حدود ۴ برابر رسید و رژیم شاه با صدور سالانه ۲۵۰ میلیون تن نفت، سیاستهای ضد ملی خور را پیش می برد و کالای و تبلیغات از غرب می خرید. با وجود این رژیم شاه قادر به کنترل بحران نشد. اکنون وضع منابع درآمدها چگونه است؟ از یک طرف صادرات کشور را در صنعتی و کشاورزی به صفر رسانده است. از طرف دیگر جمهوری اسلامی به تولید نفت در سطح محدودتر محدود گردیده است. با توجه به توانایات بازار رو قیمت نفت، درآمدهای ناشی از آن همواره در معرض تغییر و کم شدن است. بدین ترتیب سیاست سردمداران حکومت با سیاست دفاع از منافع غارتگران سرمایه داران، علیرغم ادعاهای بوج شان در راه افزایش فشار بیشتر بر زحمتکشان پیش می روند.

آیا طراحان و مجریان این سیاستها می توانند مردم را به تحمل این همه فشار و بدبختی راضی کنند؟ مردم سؤال می کنند چرا حکومت از هزینه ها نمی کاهد؟ چرا جنگ را ادامه می دهد؟ چرا تولیدات را مختل و نابود کرده؟ چرا دست جبا و لنگران اینجور با زنده؟ چرا میلیاردها تومان را برای خرید اسلحه و تجهیزات آمریکا و دیگر امپریالیستها می شود؟ چرا سرمایه های کلان به بیانه کار تولیدی و صادرات و کار در بخش کشاورزی و رزوه راندها و دیگر از مالیات معاف می شوند؟ رهبران حکومت پاسخ می دهند: "ماتوی مجلس هر چه بحث می کنیم که یک مقدار از این بودجه جاری بر زمین، می بقییم هیچ حاصل ندارد... نه ارتش را می شود تعطیل کرد، نه جنگ را می شود تعطیل کرد، هیچ کاری نمی شود کرد دیگر" (رئیسحالی ۲ دی ماه) در حقیقت این سیاستها که تمام کمال بر خلاف ارزش مصالح ملی و خواستهای مردم است. اجازه چنین کاری به مسئولان حکومت نمی دهد. علت افزایش مداوم هزینه های کشور را باید در سیاست حکومت جستجو کرد. طبق این سیاست جنگ مسأله اصلی کشور معرفی و نزدیک به یک چهارم بودجه کشور صرف مخارج اداره جنگ می شود. البته هزینه هزینه تبدیل ایران به یادگان بزرگ نظامی و زندان بزرگ انقلابیون و همین پرستان، فرزندانش، مبارز مردم، هزینه کوچکی نیست و طبیعتا درآمدنا چیز اهالی مملکت را خواهد بلعید. سیاست حفظ و تحکیم نظام غارتگریا زمانه از دوران شاه، سیاست باز کردن تمام دروازه ها - بزی کالاها ای امپریالیستی، سیاسی که علیه آزماهای انقلاب بهمن جریان دارد، در عرصه مالیاتها نیز مختصات خود را به نمایش می گذارد.

در مورد مسأله مالیاتها، آن سیاسی با منافع مردم منطبق است که راه حفظ و رشد سرمایه های کلان را ببندد و در سمت نابودی سرمایه داری و بزرگی مالکی باشد، نه در خدمت تسلط کردن آن در عرصه تولید و توزیع.

دست سرمایه داران باید از تجارت خارجی کوتاه شود!

پیام شاد باش احزاب برادر، به مناسبت ۱۹ بهمن

از سوی احزاب برادر و احزاب و سازمانهای انقلابی و ترقیخواه به مناسبت ۱۹ بهمن سالگرد تولد سازمان فدائیان خلق ایران، پیامهای تادباشی به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ارسال شده است. ما از همه احزاب و سازمانهای همزمین، بدین مناسبت و بخاطر احسانات شورانگیزی که در این پیامها نسبت به سازمان ما و نسبت به مبارزات مردم ایران، ابراز شده است، صمیمانه سپاسگزاری می کنیم.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چکیده‌ای از پیامهای شادباش احزاب برادر، حزب دمکراتیک خلق افغانستان، حزب کمونیست فیلیپین، حزب کمونیست هند، حزب کمونیست هند (مارکسیست)،

به مناسبت ۱۹ بهمن

پیام کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مناسبت ۱۹ بهمن
به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقای ارجمند!

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به نمایندگی از تمام اعضای حزب و مردم انقلابی و بیخاسته جمهوری دموکراتیک افغانستان بهترین شادباشهای رفیقان شما و برادران را تمام با احساسات گرم همبستگی انترناسیونالیستی به مناسبت آغاز چهاردهمین سال بنیانگذاری سازمان قهرمانان "سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" به کمیته مرکزی و تمام اعضای دلیران شما نسبت سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و به همه مردم رزمنده و انقلابی ایران ابراز می دارد. اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان با تاریخ پر افتخار مبارزات حماسه آفرین در ایران و شیرزبان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بعنوان وطن پرستان مدیق و بیگبرعلیه سلطه خوین رژیم جبار و دیکتاتوری سلطنتی محمدرضا شاه و سهم شایسته

و قهرمانان آن در پیروزی انقلاب دلو ۱۳۵۷ خلق ایران آشنایی کامل داشته و نقش بزرگ و شایسته‌ای را که امروز سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از مواضع قاطعانه مارکسیستی - لنینیستی و انترناسیونالیسم پرولتری در جهت دفاع از انقلاب ایران و مبارزه علیه جریانات و محافل فتری و مرتجع و وابسته به امپریالیسم در ایران ایفا می کند ستایش می کند. مردم افغانستان که با خلق برادر ایران دارای بیوندهای ریشه دار و عمیق تاریخی و فرهنگی می باشند، در این اوضاع و احوال بفرح و دشواری که بر مردم ایران تحمیل گردیده است، با ناطعیت و استواری در کنار خلق برادر و نیروهای انقلابی ایران قرار دارد. ما آرزو مندیم و ایمان کامل داریم که وحدت حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، بک گام مهم تاریخی بوده و پایان این روزگار سیاه را برای مردم ایران نزدیک خواهد ساخت.

زنده باد دوستی خلل ناپذیر برادران میان حزب دموکراتیک خلق افغانستان و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بادرودهای رفیقانه
کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین به مناسبت ۱۹ بهمن

به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین (CPF) آرزو دارد، گرمترین تبریکات خود را به مناسبت چهاردهمین سالگرد درهتتم فوریه به شما برساند. سازمان شما یک سازمان حقیقتاً انقلابی است، که در شرایط سخت فشار، مبارزه دمکراتیک خود را به پیش می برد. در این زمینه کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین همبستگی خود را با مبارزه قهرمانانه شما برای آزادی و ترقی اجتماعی ابراز می دارد.

بادرودهای برادرانه

فیلی سیمون - س. ما کا پاکال

دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین
۱۵ ژانویه ۱۹۸۴

شاد باش کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان
رفقای عزیز!

با شادباش به جشن شما، بیکار دیگر کمونیستهای یونان همبستگی خود را با کمونیستها و دیگر میهن پرستان ایرانی که تحت شکنجه و سرکوب رژیم جمهوری اسلامی قرار دارند، اعلام می نمایند. تسلیفات ضد کمونیستی و ضد شوروی که رهبران رژیم ایران برای انداختن اند، دستاورد های انقلاب ایران را به نابودی میکشاند و عملاً ایران را به آغوش امپریالیسم سوق میدهد. حزب کمونیست یونان با راه و به شیوه های گوناگون، اعتراضات شدید خود را نسبت به سرکوب کمونیستها و دیگر میهن پرستان ایرانی ابراز داشته و همچنان همبستگی و حمایت قاطع خود را از مبارزه کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست ادامه خواهد داد.

بادرودهای رفیقانه

کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان

آتن - ۲۴ فوریه ۱۹۸۴

پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (دفتر مرکزی) به مناسبت ۱۹ بهمن
دبیرکل: س. راجیش و ا. راتو

به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقای گرامی!

این بویج مسرت ماست که به مناسبت چهاردهمین سالگرد تأسیس سازمان شما تبریک بگوییم. تاریخ فنا ناپذیر سازمان شما با خون و فداکاریهای بسیار درخشان در مدت کمتر از یک دهه نوشته شده است و این فطری افتخار آفرین در تاریخ انقلابی جهان است. از اینکه مشاهده می کنیم اتحاد ما بین سازمان شما و حزب توده ایران بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم در حال رشد است، خوشحالی بسیار زیاد خود را ابراز می داریم.

رفقای گرامی، شما در حال حاضر شرایط پیچیده و نهایتاً مشکلی روبرو هستید. امپریالیسم آمریکا شکستش را در ایران نپذیرفته است. آنها دست به توطئه شوم منحرف کردن راه ایران برای آینده ای مستقل و ترقی زده اند. در این راه آنها از پشتیبانی ارتجاع داخلی که دربارا روشواری نگهبان سازمان یافته است برخوردار هستند. ما به مردم ایران و نیروهای انقلابی آنان که با اتحاد نیروهای انقلابی در حال تحکیم یافتن است ایمان داریم. از طرف شورای ملی حزب کمونیست هند و شخصی خودم آرزوی موفقیت برای شما می کنم.

افتخار بر انقلاب فدا میربانیستی و مردمی ایران زنده باد اتحاد سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران!

زنده باد مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم

بادرود رفیق شما

(ن.ک. کریشنان)

دبیر شورای ملی و عضو کمیته اجرایی حزب کمونیست هند

۱۵ فوریه ۱۹۸۴ - دهلی نو

پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مارکسیست) به مناسبت ۱۹ بهمن

به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقای گرامی!

من بدینوسیله از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مارکسیست) به مناسبت ۸ فوریه، چهاردهمین سالگرد تأسیس سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، تبریکات انقلابی خودمان را ابراز می داریم. در مدت این ۱۴ سال حزب شما تحت رهبری کمیته مرکزی آن به رهبری دبیر اولش رفیق فرخ نگهبان تاریخ افتخار آفرینی از مبارزه قهرمانانه بر علیه رژیم استبدادی بی رحم محمدرضا شاه پهلوی و امپریالیسم آمریکا که قائم مقام این رژیم بود، پیموده است. چهارصد و بیست و یک تن از اعضای حزب شما شهید شده اند و تعدادی دیگر شده و فداکاریها کردند. کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مارکسیست) به همه آنها ادای احترام می کند...

برادر شما (ای.ام.اس. - نمیدر بیاد)

دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مارکسیست)

فاجعه های جدید در مسیر تداوم جنگ

نخبه از صفحه ۱

است. گسترش وسیع نیروهای غیرنظامی و موبک ناران شهرها در این جنگ تنها با حنا تا فاخته های هیتلری و جنایات آمریکا در ویتنام قابل قیاس است. صدها هزار نفر از طرفین کشته و زخمی شده اند. صدها میلیارد دلار خسارت به دولت ایران و عراق وارد شده است و مناطق وسیعی از اراضی حاصلخیز و آباد دهر دو کشور متروک و بی برآورد تبدیل شده اند.

میرالینسم آمریکا و ارتجاع عراق به صدور برقی آتشی فدا انقلاب آیدند و بنظر مردم و نظامیان مبین پرست به تنها توطئه صدور سریع ضد انقلاب راه شکست کشاند و بیرونی عراق را متوقف کرد، بلکه اراضی اشغال شده جنوب نیز آزاد شدند. با آزادی خرمشهر توان قسواد رندانهای جنگ تغییر یافت، در نتیجه هم سلاح دفع گریه دوام ارتجاع عراق از دستهای به اهداف توسعه طلبانه و تحقق نقشه های فزاینده خود ما یوس گشت. مردم ما با حاشا زنیهای خرد رزیم صدام را محصور ساختند. آتش سی و برقراری طرح سین ایران و عراق جانبداری کند، این یک پیروزی بزرگ برای ملت ایران بوده. اما رهبران جمهوری اسلامی این پیروزی را بی نتیجه گذاشتند. جنگ مطای خواست میرالینسم آمریکا و به دلیل سیاست مداخله گزانه و جنگ طلبانه رهبران جمهوری اسلامی ایران همچنان ادامه یافت.

شوروی است و ارتش عراق جزو ارتشهای جهان است. او می گوید هنوز هم منع اصلی تا مین سلاح عراق از حیای قرار داده ۲۰ میلیارد دلار است. آمریکا در نظر آوریم، اگر به این گفته او که سلاحهای آمریکایی و انگلیسی برای مردم از بان شب واجب تر است، توجه کنیم منظور او را از "چپ" قلمداد کردن رژیم خویبر عراق و ارتش آن می فهمیم. منظور او این است که آمریکا عراق را از حمایت خود محروم کند و تنها جانب جمهوری اسلامی را بگیرد. رهنمایان درجای دیگر منظور حکومت را با روشی بیشتر بیان می کند و اینطور اظهار می دارد: "او [صدام] اگر سرکار ما ندهم کشورهای نفت خیز منطقه را با خود به ورطه سقوط خواهد کشید و هم جبری اهداف شوروی خواهد شد." همین رهنمایان درجای دیگر مشخص می کنند که جمهوری اسلامی ایران، حاضر است با آمریکا معامله کند و در ازای دریافت پاسخ مثبت آمریکا، امتیازات بکلی بسازد برای آن کشور قائل شود. این امتیازات، این با داری کدام است؟ مثلاً جمهوری اسلامی حاضر است که در ازای، حل مسأله صدام و عراق برای ایران "مسأله" افغانستان را برای آمریکا حل کند. یعنی جمهوری اسلامی، حاضر است به جنگ تمام عیار علیه دولت ملی و دمکراتیک افغانستان علیه انقلاب مردمی توردست زند. رهنمایان در این زمینه سخنان بسیار بوداری می گویند: در سایه حل مسأله عراق مسأله افغانستان قابل حل است. اگر این مسأله هم حل نشود در افغانستان مشکلات قابل حل نیست. (رهنمایان در ملاقات با وزیر خارجه ترکیه ۱۸ اسفند).

در این مسیر، رهبران جمهوری اسلامی مداوم پیش می روند. تاکنون میلیارد ها دلار بدهی در بار شاه به موسسات مالی و صنعتی امپریالیستی از جانب ایران پرداخت شده است. میلیارد ها دلار صرف خرید سلاح غریبی شده است. قراردادهای عظیم اقتصادی با غرب به همان شکل پیش در حال احیا و انعقاد است. قراردادهای ۴ میلیارد تومانی فولاد مارک، قراردادهای ۲۸۵ میلیارد تومانی نیروگاه اتمی بوشهر با آلمان غربی، قراردادهای مجتمع پتروشیمی بندر خمینی با ژاپن، قراردادهای ۵ میلیارد دلاری خرید سلاح از آمریکا، قراردادهای ۱۸ میلیارد دلاری شاه با انگلیس از آن نمونه اند.

هم اکنون دروازه های کشورهای اروپا به روی کالا های ساخت غرب کاملاً باز گذاشته شده است و سالانه ۲۳ میلیارد دلار کالای خارجی وارد کشور می شود و در همین حال جنگ، منابع اقتصادی کشور ما را بیشتر و بیشتر می بلعد. به اظهارات خودشان رجوع کنیم، رهنمایان می گویند: ۵۰ میلیارد تومان که کل بودجه برای جنگ گذاشته به اضافه بودجه ارتش به اضافه بودجه سپاه، به اضافه بودجه بازسازی، به اضافه بودجه مهاجران جنگ و به اضافه متفرقاتی که از امکانات وزارتخانه ها، ادارات و امکانات دولت و مردم برای جنگ می رود به اضافه این نیروهای داوطلبی که مردم در خدمت جنگ گذاشته اند، به اضافه بیاد نهید، به اضافه مخارجی که برای سایر اقلام اینکار انجام می دهم که از یک سوم کل بودجه کشور هم تجاوز می کند، بندرهای ما، راههای ما، قسمت عمده اش در خدمت جنگ است. ۵ استان ما با بخش عظیمی از تولیداتش خوابیده، خوزستان، ایلام، باختران، کردستان، آذربایجان غربی... با توجه به همه اینها

که واقعا کما فی است که ملت را از پارتیا در بریاورد. (رفتنجانی ۶۲/۱/۲۱). علاوه بر آن، بسیاری جبران کسود سلاح، جمهوری اسلامی به طرح به اصطلاح دفاعی گسترش نیروهای انسانی روی آورده است که همان طرح "مف" می باشد و طرح "لیسک با خمینی" جزئی از آن است. تا کنون تحت عنوان طرح "لیسک با خمینی" صد لشکر و تیپ احتیاط سازماندهی شده اند. عظمت نقشه های ما چرا جوانان نهفته در اینگونه طرحها و مقاصد سیاسی و ارتش رو شتر می شود. ارتش با سپاه هر کدام ۱۰ لشکر را شامل می شود. عراق تا به ۱۰ لشکر به ایران تجاوز کرد. این نیروی بزرگ نظامی بعد از نیروهای سپاه، ارتش و بسیج، کمیته ها، شهرها و سازمانهای است. یعنی جمهوری اسلامی برای آدامه جنگ، بیش از یک میلیون نفر را آماده کرده است. طرح گسترش نیروهای دفاعی همان تاکتیک حمله با موج انسانی است. معنای عملیاتی چنین طرحهایی فرستادن جوانان و نوجوانان کشور، با تفنگ و بدون آموزش کافی برای مقابله با هواپیما، تانک و توپخانه است. تصادفی نیست که تهران و دیگر شهرها "حمله" ناران شده است. رهبران جمهوری اسلامی تمام آحاد ملت ایران را "شهبانان رنده" می بیند و بیرون اندازد و آنها را راهی گورستان کند. آنها می گویند قصد دارند "انتقام" بگیرند. "قصاص" کنند. در عراق "جمهوری اسلامی" مستقر سازند، می گویند سر نوشت جمهوری اسلامی را با سر نوشت جنگ گره خورده است. می گویند "طرح" گناه است. می گویند "اگر ما صلح کنیم صدام می ماند". هزاران ادعای جنون آمیز و دروغ بی برمانه از این دست، بعنوان دلیل و حقیقت ادامه جنگ ارائه می شود. همه این "دلایل" تنها علت و هدف فزاینده مردمی است که می کند که ادامه این جنگ هیچ ربطی به خواست مردم ندارد و متضاد با خواست و آرزوی آنها و بسود دشمنان خوبی است.

مردم مبین ما بهمان دلیلی که در آغاز جنگ اسلحه برداشتند و رهبرها را جبهه ها شدند، اکنون که مدت ها از دفاع تجاوز صدام می گذرد، همان دلیل یعنی، برای حفظ منافع خود و مصالح کشور از برداشتن اسلحه خودداری و با ادامه جنگ مخالفت می کنند.

تراضیاتی و اعتراض مردم، هر روز مشهودتر می شود. سران و بسیجی ها از ماندن در جبهه ها امتناع می کنند. اتفاقا سران و تراضیاتی بسیج از ادامه جنگ بحدی رسیده است که آیت اله خمینی خودش برای تخفیف این موج موضع گیری آشکار کرده است. آیت اله خمینی گفت: "اگر قرار می که به من گفتند، همین ها که بسیج هستند فکر کردند که ایام عید را نباید بگذرانند... چه عید می شما دارید؟ شمایی که آنجا اینطور گرفتار هستید که آنجا عیدهای مسموم روی شما می ریزند، حالا شما چه عیدی دارید؟ بیاید برای عید جبهه را خالی کنید؟"

اکنون موج مخالفت با جنگ در حکومت نیز روبه گسترش است. آیت اله خمینی در همان سخنرانی اظهار داشت: اشخاصی که بنظر من می آید مغرض هم نیستند، بنظر من آنکه متدبیر هم هستند، صحبت می کنند از اینکه چرا صلح نمی شود می باید صلح بکنند، جوانها کشته می شوند، دریاچه می گفت: "ایمان دیدنشان باقی است. اگر عقب نشینی کنیم اسلام را شکست داده ایم".

رهبران جمهوری اسلامی صلح نمی خواهند اما مردم می خواهند صلح را در بر توپان زرات خود تا مین کنند و حتما هم چنین خواهند کرد.

زمانیکه مردم اصلاحات بنیادین اجتماعی را طلب می کردند مدافعین غارتگری سرمایه داری و بزرگ مالکی که از قبل جنگ کشته های خود را بر کرده و می کشند با طرح شعار "جنگ مسأله اصلی است" با انجام هرگونه اصلاحات اجتماعی به مخالفت برخاستند. آنان با استفاده از قدرت خود شعار احراری، جنگ، جنگ تنها پیروزی و "جنگ مسأله اصلی است" شعار برگ بر سر آمریکا را می و متروک کردند و صدام و رژیم عراق را فریبکاران دشمن اصلی "جمهوری اسلامی" خواندند. بدین ترتیب مخالفت ارتجاعی ایران، آمریکا را از بر صبر خارج ساختند. مناسبات را با کشورهای شرقی به تازگی تغییر بخشیدند و تبلیغات بی باقه علیه اصول شرقی قانون اساسی را تعطیل نمودند و مدافعان آنرا سرکوب کردند. لیکن شعار جنگ مسأله اصلی است شعار مردم بوده و نیست و مردم از آن حمایت نمی کنند. هیچیک از کشورهای فدا میرالینسی، سوسیالیستی و دولتی های صلح دوست جهان از سیاست "جنگ، جنگ" جمهوری اسلامی حمایت نکرده و بعضی، بندت و با نفرت آنرا محکوم می کنند. امروز حتی بسیاری از دولتهای محافظه کار هم فهمیده اند که اینگونه سیاستها به نفع هیچ طرفی در دو شکست نخواهد خورد. امروز سازمان ملل، جنبش غیر متعهدها، سازمان وحدت آمریکا و سایرین با ادامه جنگ مخالفتند. در شرایط انفراد جهانی سیاست جنگ افروزی جمهوری اسلامی، ارتجاع ایران، بجای نفع جنگ به جلب حمایت یکجا به امپریالیسم از خود آیدند است.

رهنمایان مدعی است که عراق جزو اقصای

استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی

پیروزی میهن پرستان لبنان

مقاومت ویکار میهن پرستان لبنان علیه اشغالگران آمریکایی و اسرائیلی سرعست کتیش می یابد و دستاوردهای تازه ای به بار می آورد. آنان موفق شده اند، امپریالیسم جهانی را در آمریکا و متحدین آن و دولت امین جمیل را محبوسه عقب نشینی کنند.

میهن پرستان لبنان از همان ابتدای حمله رژیم صهیونیستی اسرائیل به لبنان نبرد فاطمی را علیه اشغالگران آغاز کردند. آمریکا برای سرکوب میهن پرستان و در تکمیل اشغال لبنان حدود بیست ماه قبل به همراه متحدین خود، تفنگداران دریایی را در بوشی با اصطلاح "نیروهای چندملیتی حافظ صلح" به لبنان گسیل داشت و ناوهای جنگی را در سواحل لبنان مستقر نمود. توپهای بسود - نیروهای ملی و مترقی لبنان، رزمندگان فلسطینی و نیروهای سوریه را از برآتش خود گرفتند و هواپیماهای نیروی دریایی آمریکا شهرها و آبادیها را بمباران کردند. اشغالگران مدرنترین وسایل قتل و کشتار را در مورد ملت لبنان با قنات و تمام به آتش گذاشتند و مردم لبنان را به خاک و خون کشیدند و لبنان را به ویرانه تبدیل نمودند. امپریالیسم ددمنش آمریکا و رژیم صهیونیستی اسرائیل در عرض ۲۰ ماه به وحشیانه ترین جنایات علیه میهن پرستان دست زدند. دولت ریگان و اسرائیل در ماه مه گذشته قرارداد استراتژی را به لبنان تحمیل کردند که بر بنیاد آن می خواهند لبنان را از سوریه و دیگر کشورهای عربی جدا کنند و امکان پشتیبانی لبنان از مبارزه برخی رزمندگان فلسطین را سلب کنند. ولی میهن پرستان لبنان برای بیرون کردن مداخله گران آن بوی اقبانوس و دولت صهیونیستی اسرائیل و برای لغو قرارداد ننگین رژیم حیل با اسرائیل لظحه ای از بند بار نایستادند و حملات مسلحانه خود را بطور مرتب علیه دشمن سازمان دادند و ضربات موتری به آنان وارد آوردند. بیکار آشتی ناپذیر میهن پرستان لبنان، نمونه استقامت و ایستادگی یک ملت در راه استقلال و آزادی، در مقابل بزرگترین کشور امپریالیستی جهان و هندستان وی است.

نبرد سرخسخته رزمندگان لبنان، حمایت گسترده نیروهای مترقی جهان را جلب کرده و به مخالفتی وسیع علیه اشغالگران در کشورهای عربی و در اروپا و خود آمریکا دامن زده است. امین حایل بعد از مذاکره با سوریه قرارداد کذافی خود با اسرائیل را لغو کرد و ریگان که در صدد انتخاب مجدد ریاست جمهوری آمریکا است تحت فشار مبارزین لبنان و برای کاستن اربوج مخالفتها و انتقادات محبوسه که تفنگداران دریایی آمریکا را به کشتی های جنگی مستقر در سواحل لبنان انتقال دهد.

خروج تفنگداران آمریکا از بیروت و لغو قرارداد استراتژی با "لبنان - اسرائیل"، گریه و شکستگی خط می ریگان در خاور نزدیک را به نمایش می گذارد و دولتی بمنزله چرخ در سیاست آمریکا نیست. استراتژی تجاوزکارانه آمریکا در لبنان همچنان بجای خود باقی است. چرخ بوش معاون ریاست جمهوری آمریکا در

سفری به انگلستان در مقابل این سؤال که خروج تفنگداران آمریکا از لبنان نه تنها بنگر فتنه ای بر سیاست آمریکا در خاور میانه نیست می باشد، گفت: "بازی هنوز تمام نشده". ریگان این بازمی خواهد از میهن پرستان انتقام بگیرد. ارتش لبنان و سازمانهای مسیحی راستگرا را تقویت کند و به دولت صهیونیستی جهت ادامه اشغال جنوب لبنان و برای تهاجم گسترده، کمک همه جانبه نماید.

ناوگان آمریکا پس از خروج تفنگداران از بیروت مرتباً مواضع گردانهای سوری و رزمندگان لبنان را زیر آتش خود می گیرند. ریگان اختیارات نامحدودی به فرماندهی نظامی آمریکا در بیروت داده است که بر طبق آن فرماندهی نیروهای نظامی آمریکا بدون مشورت قبلی و با استفاده از هواپیماهای جنگی و توپخانه رزمناوها، مواضع رزمندگان سوری و لبنانی را مورد حمله قرار دهد.

دولت آمریکا و اسرائیل روی ارتش لبنان و سازمانهای راستگرای مسیحی در ارتش و بیرون از آن حساب باز کرده اند و بیجاگون قصد دارد به سرعت آنان را تقویت کند. جرج بوش اعلام کرده است که: "دولت ایالات متحده آمریکا در تدارک تهیه سلاحهای ضد توپخانه ای برای رژیم لبنان است تا این سلاحها بتوانند علیه مواضع مستقر در گروههای اطراف بیروت مورد استفاده قرار گیرند و ممکن است تعدادی از ریزبانان آمریکا برای آموزش ارتش لبنان در بیکار رگبری تکنیکهای مدرن جنگی بیاموزند.

رژیم صهیونیستی اسرائیل که نقش را ندارم را در منطقه خاور میانه ایفا می کند به خواست واشنگتن در تدارک تهاجم با ابعاد گسترده به لبنان می باشد. به گزارش روزنامه اسرائیلی "ماربو" واشنگتن به تل آویو پیشنهاد کرده است تا برای دفاع از بیست و شش آمریکا در لبنان به حمله طرح ریزی شده و همه جانبه دست بزند. این امر نشان می دهد که ریگان از طریق اسرائیل سیاستهای توسعه طلبانه خود را پیش می برد و سلاحهای زیادی در اختیار آن می گذارد. و بر اساس اقتصاد اسرائیل اخیراً گفته است که: "وجود نیروهای مسلح قوی اسرائیل بسود آمریکا است، مثلاً اگر نیروی هوایی اسرائیل وجود نداشت، آمریکا محبوس بود برای تا مین حضور نظامی خود در منطقه لا اقل دنیا و هواپیما بر به مسلح بچاه مطبوعه دلار بسازد، امروز امپریالیسم آمریکا بی اثر هر موقع در تقویت ملت نظامی اسرائیل دبیغ است.

ترازوی لبنان در حالیکه سیمی از آن به ویرانه تبدیل شده و نیم دیگر لگدگسوت جکه پوتان اسرائیل است، همچنان ادا به دارد. گریه در نتیجه بیکار دلار و راه و قهرمانان میهن پرستان، تفنگداران دریایی آمریکا و متحدین وی از بیروت خارج شده اند و قرارداد ننگین لبنان - اسرائیل لغو شده است، با این وجود تراتزهای آمریکا همچنان در جدد کار برد ملت نظامی در لبنان می باشد. اما ملت نظامی آمریکا با متنها گره گسوده میهن پرستان بیباخته لبنان مواجه است که ایستادگی همه نیروها و کشورهای آزادیخواه و مترقیخواه جهان برخوردارند.

آدمی با سرافراشته باید بزید
و سرافراشته باید میرد
و به دشمن سر تسلیم نیارد در پیش
و نه در راه آزادی خلق
همه هستی خویش

گرامی، یاد یاد شهدای فروردین!

فدائیان خلق:



- بهرام آق آتای
- حمید اکرامی
- غزال (پیدخت) آبتی
- سیمین بنجه شاهی
- نرین بنجه شاهی
- ناصر توفیقیان
- بیژن جزنی
- احمد حلیل افشار
- محمد جویانزاده
- حلیل حواری نسب
- عطا خانجانی
- علی خلیقی
- علی محمد حوجه
- آرزو محمد دردی پور
- پروین ره انجام
- آنا دردی سرافراز
- عزیز سمرندی
- جواد سلامی
- بدالله طسیلی
- خنابار سنجری
- عباس سورکی
- قربان شفیقی
- عبدالله صوفی زاده
- حسن فیاض ظریفی
- حلیل عزیزی
- غفور عمادی
- منصور فرخیدی
- محمدرضا کامیابی
- بردی محمد کوسه عزیزی
- سعید مشعوف کلانتری
- حبس الله مومنی
- علی میرانیون

بر رهرو باد راهشان،
جاودان یادشان